**جلسه ی اول**

انگليسي‌ها توافق هسته‌اي را نگه داشتند براي دولت يازدهم

بله، قبل از همه چيز بايد متن توافق ژنو را به طور دقيق درك كنيم و حقوق و تكاليف طرفين را متوجه بشويم و بعد آثار آن را بفهميم و در مرحله آخر نيز درباره اينكه چه بايد كرد بحث كنيم. موافقم كه قبل از همه متن را بررسي مي‌كنيم تا دريابيم كه چه مي‌گويد و مبناي مباحث را هم روي نامه‌اي كه آقاي روحاني نوشتند، متمركز مي‌كنيم.

نكته اول اين است كه وقتي ما با كسي اختلاف پيدا مي‌كنيم، سعي مي‌كنيم بر سر موضوع مورد اختلاف با او گفت‌وگو كنيم تا به توافق برسيم. قاعدتاً توافقي كه انجام مي‌دهيم بايد اختلاف را برطرف كند. ما از سال 1382 با امريكا و كشورهاي اروپايي دچار مشكل شديم. بنابراين شروع به گفت‌وگو كرديم و اين گفت‌وگو نيز در سال 1392 منجر به توافق شد(توافق ژنو). بنابراين وقتي توافق حاصل شد بايد رافع اختلاف مي‌بود ولي هنوز پنج دقيقه از توافق نگذشته بود كه هر دو نفر (كري و ظريف)، در كنفرانس‌هاي مطبوعاتي، كاملاً مخالف يكديگر، آن هم بر اساس يك متن صحبت كردند. جالب اينكه اختلاف دو طرف هم بر سر اصل موضوع مورد اختلاف يعني غني‌سازي است. آقاي كري گفت كه در متن توافق (حق) غني‌سازي به رسمیت شناخته نشده است ولي آقاي ظريف گفت حق غني‌سازي ايران در توافق ژنو برسمیت شناخته شده است و دوبار هم انجام شده است. ثمره عملي توافق بعد از 10 سال مذاكره، بايد رفع اختلافات مي‌بود ولي مشاهده شد که در همان پنج دقيقه اول اختلاف بروز كرد و نه تنها اختلاف حل نشد بلکه اختلاف بر سر جایش باقی ماند.

**نكته دوم.** متن (توافق‌ها) نوشته مي‌شود تا مشخص باشد كه حقوق و تكاليف چيست، بنابراين در آنها نبايد از واژگان مبهم استفاده كرد. به ويژه واژگاني كه در مورد تكاليف ما (ايران) است، بايد دقيق باشد و از واژگاني استفاده شود كه قابل تعريف باشد. از آنجايي كه در توافق ژنو، تعريف واژگان نداريم، بايد در آن از واژگاني استفاده مي‌شد كه معني آنها در معاهدات بين‌المللي مرتبط به توافق مشخص بود. چون كه اينجا توافق هسته‌‌اي مطرح بود، بايد واژگاني استفاده مي‌شد كه در معاهدات هسته‌اي مرتبط آمده باشد و معني آن براي ما و طرف مقابل روشن است. ولي طي اين مدت چيزي كه ما از توافق ژنو متوجه مي‌شويم اين است كه طرفين دارند به متن و واژگاني استناد مي‌كنند كه درباره آنها 180 درجه اختلاف (تفسير) دارند. وجود 180 درجه اختلاف بر سر واژگان يك توافق نشان مي‌دهد كه اين متن اصلاً حقوقي نيست. توافق بايد به شكلي باشد كه اگر طرفين در دو سوي ميز مذاكره احياناً اختلافي پيدا كردند، بتوانند آن را به يك مرجع ثالث ارجاع دهند و (لااقل) يكي از مشكلات كليدي ما درباره توافق ژنو، واژگان مبهم و امكان تفسير180 درجه متفاوت از آن است.

**نكته سوم** اينكه ما از سال 1382 تاكنون مذاكره مي‌كرديم تا به نتيجه برسيم ولي به نتيجه نمي‌رسيديم (حال به هر دليلي) سوم آذر 92 در نهايت توافق (ژنو) به دست آمد. معني چنين توافقي بايد پايان يافتن مذاكرات ما با 1+5 مي‌بود چون كه توافق كرده بوديم از حالا به بعد بايد وظيفه ما گفت‌وگو يا مذاكره براي اجراي توافقنامه بود.

نكته چهارم اينكه عنوان متن موجود توافق ژنو، برنامه مشترك اقدام (‌Joint Plan of Action) است حالا فارغ از اينكه اسم توافق چيست، به هر حال چيزي كه در ژنو به دست آمد، توافق بين‌المللي است و طبق اصل 77 قانون اساسي، توافق بين‌المللي بايد مسير (روند) قانوني داخلي خود را طي كند. طبق قانون اساسي دو مسير مي‌توان براي توافق ژنو طي كرد؛ مسير اول اينكه در مجلس شوراي اسلامي تصويب و در شوراي نگهبان تأييد و تبديل به قانون شود. مسير دوم هم اين است كه شوراي عالي امنيت ملي تشكيل جلسه‌ دهد و آن را تصويب كند و بعد برود محضر «آقا» (رهبري) و بعد از تأييد «آقا»، در حكم قانون مي‌شود.

فارغ از اينكه اسم توافق ژنو را چه بگذاريم، به هر حال اين توافق يك توافق بين‌المللي است و اسم آن ماهيتش را تغيير نمي‌دهد. درست مثل قوانين داخلي، ‌اگر شما قرارداد «بيع» ببنديد و اسم آن را قرارداد «اجاره» بگذاريد، در ماهيت آن تغيير ايجاد نمي‌شود و قانون بيع بر آن حاكم خواهد بود. اسم توافق ژنو را «برنامه مشترك اقدام» گذاشتند تا بگويند يك برنامه اجرايي است و نيازي به طي كردن اين دو مسير (قانوني داخلي) ندارد. اين درحالي است كه قبلاً هم كشور با چنين موضوعي درگير بوده است و ما قبلاً با يك كشور قرارداد بسته بوديم و اسم آن را گذاشته بودند «يادداشت تفاهم» تا نيازي به تصويب داخلي نداشته باشد ولي بعد شوراي نگهبان در پاسخ به يك استفسار اعلام كرد **هر چيزي فارغ از اسمي كه روي آن گذاشته شود، اگر براي كشور تعهد ايجاد كند، توافق بين‌المللي است و بايد روند (قانوني) داخلي را طي كند.**

اسم مهم نيست. چه اسم تفاهم‌نامه باشد، چه بيانيه يا Non- Paper، اگر تعهدي براي كشور ايجاد كند، توافق بين‌المللي است و نياز به تصويب دارد.

در توافق ژنو نوشته شده كه چه كارهايي بايد انجام دهيم و چه كارهايي نبايد انجام بدهيم و چون تعهد ايجاد كرده پس طبق تفسير شوراي نگهبان يك توافق بين‌المللي است و نياز به طي روند قانوني داخلي دارد. داستان طي نشدن روند داخلي توافق ژنو مثل داستان همان آدمي است كه كباب مي‌خورد ولي براي اينكه گربه به آن طمع نكند، كباب را باد مي‌زند و مي‌گويد: «آي بلاله، آي بلال.»! در حالي كه گفتن اين «آي بلاله، آي بلال» ماهيت كباب بودن را تغيير نمي‌دهد.

خب حالا كه متوجه شديم ماهيت ژنو يك توافق بين‌المللي است، آيا بهتر نبود كه مسير داخلي (قانوني) را طي بكنيم. به نظر من (توافق ژنو) اصلاً ارزش طي كردن اين مسير را ندارد. چون كه طبق حقوق بين‌الملل اگر رئيس‌جمهور، نخست‌وزير يا وزير خارجه صحبتي بكنند يا اينكه تعهدي را قبول نمايند، براي دولت آن كشور موجب مسئوليت بين‌المللي مي‌شود و وزير خارجه ما روز 3 آذر (24 نوامبر) در ژنو اعلام كرد كه من اين توافق چهار صفحه‌اي را قبول دارم و از آن روز براي ما تعهد ايجاد كرده است.

حتي فرض كنيد توافق ژنو را به مجلس مي‌برديم و مجلس هم آن را تأييد نمي‌كرد، قبول نكردن مجلس هم بي‌اثر بود، **چون كه حقوق بين‌الملل حاكم بر حقوق داخلي است و شما متعهد هستيد، زيرا نماينده جمهوري اسلامي ايران رفته و اعلام كرده كه توافق ژنو را قبول دارد.** مشكلات داخلي را بايد در داخل حل كنيم و حقوق بين‌الملل چنين مشكلاتي را نمي‌پذيرد.

از اين گذشته چون نظر رئيس دولت اين است كه توافق ژنو اجرا شود، حتي در صورت نياز به تصويب مجلس، به مجلس فشار مي‌آوردند و آن را تصويب مي‌كردند. تازه اگر احساس مي‌كردند كه مجلس تصويب نمي‌كند، آن را به شوراي امنيت ملي مي‌بردند و تصويب مي‌كردند وبعد رهبری را تحت فشار قرارمی داداند تا آن را قبول کند.

**نکته پنجم:** از سال هشتاد و دوکه مذاکرات آغاز شد ما تلاش می کردیم که به یک توافقی برسیم ده سال بعد در روز سوم اذر گفته شد که ای توافق حاصل شده است. رئيس‌جمهور بلافاصله بعد از توافق به محضر «آقا» نامه نوشتند و اعلام كردند كه در نخستین ماههای شروع به کار دولت تدبير و اميد , فرزندان انقلابي در صحنه بين‌المللي به چنين توافقي دست پيدا كرده اند و دو چيز به دست آمد؛ 1- حقوق هسته‌اي و 2- حق غني‌سازي. و در ادامه نوشتند دستاورد قطعی ما در این توافق حق غنی سازی است و این را از باب تاکید و اهمیت دوبار ذکر نموده است.

جواب آقا اين بود: «دستيابي به آنچه مرقوم داشته‌ايد، (حقوق هسته ای و حق غنی سازی) درخور تقدير و تشكر و يك موفقيت است. اما شاخص، ايستادگي در برابر زياده‌خواهي‌هاست.»

حالا متن را بررسي كنيم و ببينيم كه آيا آنچه که در نامه ی خود در مورد حق غنی سازی و حقوق هسته ای آورد است را بدست اورده ایم یاخیر. واگر چنین حقوقی را که آنها ذکر کرده اند ما بدست اورده باشیم باید دست تک تک اعضای مذاکره کننده را ببوسیم چون بعد از ده سال مذاکره توانسته اند چنین موفقیتی بدست اوردند.

**نکته ی ششم:** عنوان متن موجود توافق ژنو، برنامه مشترك اقدام (‌Joint Plan of Action) است وفارق از عنوان براي توافق كردن امضا لازم نيست، مثل عقد بيع يا عقد ازدواج، با قبول، ايجاب ايجاد مي‌شود . از اين گذشته، هر چند ما توافق ژنو را امضا نكرده‌ايم ولي به آژانس نامه نوشته و گفته‌ايم كه آن را قبول داريم. تازه اگر براي آژانس نامه هم نمي‌فرستاديم، تعهدآور بود. بنا بر این از لحاظ حقوقی قرار داد منعقد شده است وطرفین ملزم به رعایت آن می باشند وامضا کردن اهمیت ندارد.

انچه که توافق شده یک متن چهار صفحه ای می باشد و غیر از این سه متن دیگر هم توافق شده است که آنها منتشر نشده اند ,همزمان با توافق ژنو در بیست چهار نوامبر یک توافق دیگری هست در دوازده ژانویه 2014 ویک توافق دیگر که مربوط به تمدید این توافق می باشد .که از این توافق ها یکی از آنها منتشر شده است وسه تای دیگر منتشر نشده .بر طبق قاعده درست این بودکه متن توافق باید منتشر می شد .مذاکرات می تواند محرمانه صورت بگیرد اما متن توافق که برای ما اهمیت دارد باید منتشر شود وعدم انتشار آن نقض اشکار قانون اساسی است اسم توافق اهمیت ندارد هر چه می خواهند بگذارند ولی ازانجایی که تعهد وتکلیف برای ماایجاد می نماید وطبق نظر شورای نگهبان توافق بین المللی محسوب می شود وباید بران نظارت شود وبر چگونگی اجرای آن نیز باید نظارت صورت بگیرد.بااین حال سه توافقنامه ی دیگر منتشر نشد.

وما در اینجا به آن سه تای دیگر کاری نداریم وهمین متنی را که منتشر نموده اند را مورد بررسی قرار میدهیم ودستاورد های آن را بررسی می کنیم.

این متن یک مقدمه دارد بعد از مقدمه وارد یکدفعه وارد گام دوم شده است بعد ازگام دوم وارد گام اول می شود در گام اول کلمه first step امده اما در گام دوم که اول امده واژه ی second step نیامده که ممکن است از لحاظ حقوقی مشکل ایجاد کند.گام دوم سه خط بیشتر نمی باشد اما گام اول حدود سه صفحه می باشد وبعداز گام اول وارد گام نهایی می شود final step این گام مثل گام اول مفصل نیست.بعد از گام نهایی گام دیگری به نام گام بعد درست کرد اند .واین توافق نامه چهار فاز دارد.

این کلیات متن توافقنامه بود بعد از این میخواهیم بررسی کنیم ببینم ایا ما به حقوق خود رسیده ایم یانه .برای فهم این موضوع باید ببینیم ایا ما اصلا حقی داریم یا نه ومنشا اعطاء حق ویا سلب حق در حقوق بین الملل چیست.در حقوق بین الملل مبنای اعطاء حق وسلب حق قران وسنت نیست بلکه قواعدی است که چهار تا کشور آنها راتصویب کرده اند ودر بحث هسته ای مبنا معاهد ه ای به نام nptمی باشد.

معني حقوق هسته‌اي و غني سازي را مي‌توان از معاهده NPT فهميد. معاهده ان‌پي‌تي، يعني معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌اي THE TREATY ON THE NON-PROLIFERATION  
OF NUCLEAR WEAPONS

خود اسم NPT نشانه تبعيض آميز بودن است، چون تأكيدش بر نداشتن سلاح هسته‌اي نيست بلكه تأكيد آن بر «عدم گسترش» سلاح هسته‌اي است.این معاهده می گوید یک عده ای می توانند داشته باشند وعده ای حق ندارند داشته باشند. اصولاً وقتي قدرت‌هاي بزرگ به تكنولوژي خاصي كه قدرت زا است دست پيدا مي‌كنند، بلافاصله آن تكنولوژي را انحصاري مي‌كنند و مي‌گويند فقط هر كس تا حالا اين تكنولوژي را داشته، از اين به بعد هم مي‌تواند داشته باشد. وبه نوعی با استفاده از یک معاهده وضعیت را فریز می کنند . سال 1967پنج کشور به دو چيزدست یافتند1- تكنولوژي ساخت و 2-خود سلاح . این پنج کشور که شامل امریکا انگلیس فرانسه روسیه وچین می باشدو این پنج کشور به واسطه ی همین توانایی پنج عضو دائم شورای امنیت شدند وحق وتو نیز پیدا کردند.این پنج کشور این معاهده را نوشندند وان را نیز قانونی کرداند وبقیه ی کشورهارا یعنی 188 کشور نمی توانند این تکنولوژی را داشته باشند.در ماده ی دوم این معاهده اورده اندکه به غیر از کشورهایی که قبل از 1967 به سلاح هسته ای دست پیدا کرده اند کشور دیگری حق ندارد به سلاح هسته ای دست پیدا کند.نتيجه اين شد كه كشورهاي ديگر اعتراض كردند و گفتند كه معاهده NPT تبعيض آميز است.واین پنج کشور برای این که این حالت تبعیض امیز کمرنگ تر بشودگفتند كه دوره معاهده را به 25 سال محدود مي‌كنيم و همچنین این کشورهاپذیرفتند که سعی میکنیم مذاکره برای خلع سلاح را پیگیری کنیم.در حقیقت هیچ تعهدی نمی دهند وفقط می پذیرند که مذاکره کنند نتیجه ی مذاکره چه می شود معلوم نیست.ومعلوم نیست که بعد مذاکره کنوانسیونی مطرح میشود که آنها نیز باید خلع سلاح شوند. به همين خاطر در ماده 6 ، كشورهاي دارنده، مذاكره را براي خلع سلاح هسته‌اي مي‌پذيرند. در ادامه ی اعتراض سایر کشورها نسبت به تبعیض امیز بودن پنج کشور قبول کرد اند که یک امتیاز به سایر کشور ها بدهندكه در ماده 4 ان‌پي‌تي يك امتياز بدهند. تمام دعواي در بحث هسته‌اي مربوط به همين ماده 4 است .ماده 4 مي‌گويد كشورهايي كه به دنبال سلاح هسته‌اي نمي‌روند مي‌توانند فعاليت هسته‌اي صلح آميز داشته باشند. طبق ماده 4 ان‌پي‌تي سایر کشورهامجازاند 1.تحقيق (Research)، 2.توليد (Production) و 3.استفاده (Use) از انرژي هسته‌اي صلح آميز داشته باشد. واین سه مورد شامل تحقیق وتولید واستفاده به صورت مطلق امده است یعنی کشورها می توانند در هر نقطه ازمکان وهرزمان وهرنوع تکنولوژی در کشورشان تحقیق تولید واستفاده کنند مثلا می خواهند سانتریفوژنسل ده تحقیق کنند هیچ مانعی ندارند.در مرحله ی تولید نیز هیچ محدودیتی ندارند هرچند تن می خواهند تولید کنند هرچند تا سانتریفوژ برای تولید می خواهند داشته باشندهمچنین در هر درصدی که می خواهند تولید داشته باشند ده در صد بیست درصد و... محدودیتی وجود ندارد.در تکنولوژی نیز محدودیتی وجود ندارد از هر نوع تکنولوژی شامل سانتریفوژ,لیزر ,دپیوژن فرقی ندارد. تنها قيد موجود ماده چهار نيز بحث صلح آميز (Peaceful) بودن است و در اين زمينه هيچ قيد و بند ديگري وجود ندارد وتشخیص صلح امیز بودن نیز فقط برعهده ی اژانس می باشد و سایر کشورها چنین حقی ندارند ومدیر اژانس نیز هر بخواهد نمی تواند بکند ومعاهداتی تعریف کرد ه اندبه نام توافق نامه های پادمان ویک چیز دیگر به نام پروتکل الحاقی که نظارت بر اساس پروتکل مخصوص کشورهایی است که آن را پذیرفته اندودر غیر این صورت فقط براساس توافق نامه ی پادمان( Safegurds Agreement )می توانند بر آن کشور نظارت داشته باشندو نگفته كه كشورها نمي‌توانند مثلاً روي سانتريفيوژ تحقيق، توليد يا استفاده نكنند.وچون ایران عضو توافق نامه ی پادمان است اژانس بر طبق آن می تواند بر ایران نظارت داشته باشد برای مثال ایران به اژانس می گوید ما 100تن مواد هسته ای با غنای فلان در صدداریم واژانس فقط می تواند بگوید مکان آن کجاست وفقط میتواند در همان مکانی ما معلوم کرده ایم در انجا تحقیق انجام دهد ویک اتاق انطرفتر نمی تواند مورد بازرسی قرار دهدواگر مواد مفقود نشده باشد اژانس اعلام می کند که فعالیت ها صلح امیز است.ونمی تواند در مورد مقدار آن وهمچنین در صد آن اینکه از کجا اورد ه اید اظهارنظر کند.اژانس فقط حق دارد که مواد هسته ای مارا ببیند واعلام کند که ایا صلح امیز است یا خیرودر موارد دیگر دخالتی نمی تواند داشته باشد.

بله، جداي از توافقنامه پادمان، چيز ديگري هم به نام پروتكل الحاقي وجود دارد. طبق معاهده پادمان، خود اظهاري كشورها مبناي بازرسي‌هاي آژانس است ولي در پروتكل الحاقي، آژانس فقدان مواد و فعاليت‌هاي اظهار نشده (Undeclared Nuclear Materials & Activities) را هم تأييد مي‌كند. طبق پروتكل الحاقي، آژانس مجاز است علاوه بر فعاليت‌هايي كه كشورها اظهار مي‌كنند، از مكان‌هايي كه مي‌خواهد نيز بازديد كند. البته حتي آن دسته‌ از بازرسي‌هاي آژانس هم كه بر اصل «هر كجا» (any where) و هر مكان (any time) استوار هستند، بدون حساب و كتاب نيست و به هر حال چارچوب دارد ولي چارچوب پروتكل الحاقي در مقايسه با توافقنامه پادمان وسيع‌تر است. به خاطر همین آنها دنبال توافقی فراتر از پروتکل الحاقی در مورد ایران هستند.

دوره معاهده NPT ، 25 سال بود. ايران از دوره شاه (1970) عضو NPT شد ولي در سال 1995 (1374) دوره NPT تمام شد. در این زمان که بهترین زمان برای اصلاح این قانون ظالمانه بود کشورها می توانستند حد اقل این پنج کشور ملزم به خلع سلاح نمایند.این پنج کشور براساس ماده ی شش ملزم بوداند برای خلع سلاح مذاکره کنند که هیچ نتیجه ای در بر نداشت الان فرصت خوبی بود تا این ماده را اصلاح نمایند.مثلا می توانستند یک برنامه ی زمانبندی برای خلع سلاح این کشوره تعیین نمایند که براساس آن کنوانسیون بعد از دوسال انه خلع سلاح شونداما با پافشاری پنج قدرت وضعیف بودن سایر کشورها این ماده نیز تغییری نکرد.آقاي ولايتي وزير خارجه وقت و آقاي ظريف معاون بین الملل ايشان براي تمديد NPT رفتند. اگر قرار بود NPT تمديد شود، لااقل بايد تبعيض‌‌هاي موجود داخل NPT رفع مي‌شد و قسمت‌هايي از آن هم تغيير مي‌كرد. ولي (آقايان) گفتند كه بحث اصلاح NPT را مطرح نكنيم چونكه ممكن است مناسبات بين‌المللي‌مان تحت تأثير قرار بگيرد. از اين گذشته مي‌گفتند كه كشورهاي ديگر هم از تغيير NPT حمايت نمي‌كنند. ما گفتيم كه به ديگر كشورها كاري نداريم و چون معاهده تبعيض‌آميز است، ما كار خودمان را انجام بدهيم ولي در نهايت (آقايان) گفتند كه از تمديد معاهده حمايت مي‌كنيم. معني تمديد يك معاهده اين است كه اگر (مثلاً) معاهده 25 ساله است، 25 سال ديگر تمديد مي‌شود ولي غربي‌ها تأكيد كردند كه NPT بايد دايمي بشود.

ودر سال 1995با تشکیل جلسه در سازمان ملل این معاهده را تا ابد تمدید کرداند. معني دايمي شدن NPT اين بوده است كه تا ابد پنج كشور به لحاظ قانوني حق داشتن سلاح هسته‌اي دارندوتا ابد آنها می توانند مذاکر ه کنند وبا مذاکره هیچ وقت سلاح هسته ای از روی کره ی زمین برداشته نمی شود.

در اجلاس های بین المللی که تشکیل می شود یک مکانیسم رای گیری وجود دارد به نام Consensusیعنی عدم مخالفت که بر اساس اجماع می باشد. درجلسه رأي گيري رییس سوال می کند«آيا كسي مخالف است؟ «(Is there any objection?)»که این معاهده تا ابد تمدید شود واگر کسی دستش را بالا ببرد در حکم وتو است ولی اگر کسی دستش را بالا ببرد معاهده پذیرفته نمی شود. با دايمي شدن NPT، ما داوطلبانه از حق‌مان انصراف داديم در حالي كه در جريان مذاكرات سال 1995، حق ابراز مخالفت داشتيم ولي از مخالفتمان استفاده نكرديم. واین نشان می دهد که صرف داشتن حق مهم نیست بلکه استفاده از حق مهمتر است.

معمولا در معاهدات بین المللی رای گیری نمی کنند وسعی می کنند که اجماع ایجاد کنند چون کسی که به آن معاهده رای نمی دهد به معنی آن است که در آن عضونیست مث همی معاهده که سه کشور هند، پاكستان و اسرائيل دران عضو نیستند وزمانی که عضو نیستند تعهدی ندارند و می توانند سلاح بسازند.وزمانی سلاح ساختند توازن رابر هم می زنند وکشور دیگر را تهدید می کنند که گزینه روی میز دارد وکشور دیگر نیز به دنبال ساخت سلاح می رود.وبه خاطر همین است که در معاهدات بین المللی تلاش مینمایند به هر صورت ممکن دم کشورها راببینند تا آن راعضو آن معاهده نمایند.

همچنین معاهد ه ی nptیک ماده دارد ماده 10 که طبق آن اگر منافع عالیه ی وحاکمیت ملی کشورها تهدید شود کشورها می توانند از این معاهده خارج شوند كره شمالي طبق ماده 10 ان‌پي‌تي كه اجازه خروج (Withdraw) مي‌دهد، از آن خارج شد. اما مانیاز به خرج از این معاهده رانداریم . کشوری از این معاهده خارج میشود که تمام کارهایش را انجام داده باشد وفقط برای ساخت سلاح نیاز دارد که از معاهده خارج شود .مانیاز به خروج نداریم ولی میتوانیم تهدید به خروج از آن را بکنیم ولی نه از طرف مسئولین.

در قبال اینکه ما پذیرفتیم به دنبال صلاح هسته ای نرویم ماده چهار این اجازه را ما داده است که حق تحقیق ,تولیدواستفاده را داشته باشیم وبرای جلوگیری از اشتباه در فهم تحقیق تولید واستفاده از سال1970 تا امروز این ماده را در جلسات مختلف تفسیر کرده اند.در تفسیر ماده چهار که حق استفاده ی صلح امیز از انرژی هسته ای را مطرح کرده گفته این یعنی داشتن چرخه ی سوخت هسته ای از تحقیق تولید ومصرف ان.

اين تفسير از ماده 4 در اجلاس سال ‌هاي 1975، 1978، 1985، 2000 و 2010 با اجماع تصويب شده و امريكايي‌ها هم به آن رأي داده‌اند. ماده 4 يعني حق استفاده صلح‌آميز و خود حق استفاده صلح‌آميز هم يعني حق داشتن چرخه سوخت. حالا ببينيم چرخه سوخت چيست. ما دو نوع چرخه سوخت داريم؛ چرخه سوخت آب سبك و چرخه سوخت آب سنگين.

**چرخه سوخت آب سبك** شامل اكتشاف اورانيوم، بردن و آسياب كردن اورانيوم، تبديل به كيك‌زرد، تبديل به AUC، تبديل به UO2، تبديل به UF4، تبديل به UF6و بعد هم بردن UF6 را به سانتریفوژوغني‌سازي (5 درصد، 20درصد، 60 درصد يا 100 درصد هیچ محدودیتی ندارد) کرده و اين مواد غني شده را اكسيد كنيم و بعد تبديل به قرص، ميله سوخت، مجتمع سوخت و سپس در رآكتور آب سبك (مانند بوشهر) وبوشهر هم برق تولید می کند و سوخت مصرف شده را برمیداریم وجداسازی پلوتونیوم را انجام می دهیم و آن را هم بازفرآوري كنيم.از مرحله ی اول تا اخر را چرخه ی سوخت می گویند.

اما در **چرخه سوخت آب سنگين**؛ نه تنها تبدیل اورانیوم را ندارد بلكه غني‌سازي هم ندارد. در چرخه سوخت آب سنگين؛ اورانيوم طبيعي را اكسيد مي‌كنيم و بعد آن را در رآكتور آب سنگين به‌كار مي‌گيريم و برق وپلوتونیمو راديو ایزوتوپ صنعتی توليد مي‌كنيم و سوخت مصرف شده آن را هم جدا سازی و بازفرآوري انجام مي‌دهند. اين زنجيره‌ها را مي‌گوييم چرخه سوخت.طبق ماده ی چهار هم می توانیم چرخه ی سوخت اب سبک راداشته باشیم وهم چرخه ی سوخت اب سنگین را. ما وقتی در سال 74 معاهده را پذیرفتیم ویک سری تکالیف را قبول کردیم باید از حقوق آن نیز استفاده کنیم حقوق آن براساس ماده ی چهار است بند دو ماده ی چهار می گوید که کشورها مخصوصااین پنج کشور باید حد اکثر تبادل را در سوخت وتجهیزات وفناوری واطلاعات تکنولوژی وعلمی رابا سایر کشورهایی که درخواست دارند داشته باشندعلی رغم این تعهدات این کشورها هیچ کمکی به ما نکرده اند وحتی وقتی شرکت زیمنس المان قرار بود یک راکتور چرخه ی سوخت سبک در بوشهر برای ایران راه اندازی کند در وسط کار آن را رها کرد وخسارتهای فراوانی به ایران وارد نمود.اما ایران باتوجه به شعار مامی توانیم امام خمینی اتکا به درون کرد وسال 82 به این تکنولوژی چرخه ی سوخت از هر دونوع آن دست پیدا کرد وبه محض این که ما دست پیدا کردیم سر وکله آنها پیدا شدوگفت اند که ماشنیدیم شما به این فناوری چرخه ی سوخت دست پیدا کرده اید واز شما می خواهیم که سه حلقه از این چرخه را رها کنید1.باز فراوری2.راکتور اب سنگین3.غنی سازی واین کشورها چون به صورت قانونی نمی توانستند مانع ایران شوند به صورت عملی سعی در جلوگیری ایران در توسعه ی فعالیتهای هسته اش زداندوچون این تکنولوژی خودش یک ابزار قدرت است وایران اسلامی که دارای یک ایدئولوژی قدرتمند است با این ابزار دست نیافتنی می شد در نتیجه نباید جمهوری اسلامی به این ابزار قدرت دست پیدا کند.وایران از سال 82 پذیرفت که در این سه مورد اختلافی وارد مذاکره با غرب بشود.تا بتوانند راه حلی پیدا کنند که ایران بتواند بدون ممانعت فعالیتهای خودش را پی گیری کند.تا سال 92 اینهانمی پذیرفتند که ماحقوق هسته ای خود را داشته باشیم تاوقتي رئيس جمهور محترم در 3 آذر، بعد از توافق ژنو، به رهبر انقلاب نامه نوشتند و اعلام كردند كه ما حقوق هسته‌اي خودمان را گرفتيم، معني‌اش گرفتن چرخه سوخت است. منظور از حقوق هسته ای چرخه ی کامل سوخت هسته ای است اما مناقشه ی ما بر سر سه مورد است که قبلا ذکر کردیم.وبا توجه به ادعای رییس جمهور مبنی بر استیفای حقوق هسته ای وغنی سازی این معنامتبادر می شود که این سه مورد را نیز ما بدست اوردیم.

غرب چرا نسبت به این سه حلقه حساس است؟

انها معتقد اند اگر کسی بخواهد به سراغ سلاح هسته ای برود باید از این سه حلقه عبور کند یا باید مواد غنی شده ی نود تاصد درصد داشته باشدواگر حدود 25 کیلو مواد بااین غنا داشته باشد می تواند بمب اتمی بسازد.روش دوم برای ساخت بمب روش باز فراوری(Reprocessing) است سوخت هسته ای هم مانند شیره ی تریاک که مصرف شده باز هم ارزش دارد ارزشمند است وپلوتونیم بدست امده از سوخت مصرف شده را می توان به بمب تبدیل کرد

و سومين چيزي كه غربي‌ها گفتند به آن حساس هستيم، رآكتور آب سنگين بود. ما گفتيم حالا چرا به رآكتور آب سنگين حساس هستيد؟

جواب دادند چون كه هم خود رآكتور آب سنگين مي‌تواند پلوتونيوم توليد كند و هم از سوخت مصرفي اين رآكتور موتوان پلوتونيوم جدا سازی و توليد کرد. ما گفتيم از رآكتور آب سبك هم مي‌توان پلوتونيوم توليد كرد ولي غربي‌ها جواب دادند كه توليد پلوتونيوم رآكتور آب سبك كم است وارزش باز فراوری ندارد در حالي كه توليد پلوتونيوم آب سنگين انبوه است.

واین سه حلقه ی نگرانی غربی ها است اما ایا این نگرانی فقط در مورد ایران وجود دارد سایر کشورها نیز این چرخه را دارند مثلا کشور کانادا نیز راکتور اب سنگین دارد پس این نگرانی درمورد این کشور نیز باید وجود داشته باشد ثانیا فعالیتهایی که زیر نظر اژانس باشد که نگرانی ندارد واژانس دائما نظارت دارد که فعالیت ها به سمت نظامی شدن حرکت نکند.پس با وجود نظارت اژانس نگرانی برای انحراف وجود ندارد.

ممكن است گفته شود كه اين فقط مربوط به گام اول است و مدت اين گام هم شش ماه است. ولي مشكل اين است كه در متن توافق آمده كه اين توافق قابل تمديد است و مشخص نشده كه چند بار قابل تمديد است. پس اين امكان وجود دارد كه همانطور كه NPT بعد از 25 سال تمديد شد همان كساني كه رفتند آن را تمديد كردند، توافق ژنو را هم تمديد كنند.

اما در توافق ژنو آمده كه هر گونه تمديدي با توافق طرفين است. بله همينطور است. ما در NPT هم حق داشتيم كه مخالفت بكنيم ولي صرف داشتن حق به دردي نمي‌خورد. آيا توانستيم از حق مخالفت خودمان استفاده كنيم؟ در زمان تمديد NPT كساني كه از ايران رفته بودند، گفتند كه الان شرايط (براي مخالفت) خوب نيست و مخالفت نكردند. اينجا هم داستان همين است؛ ‌مي‌توانيم مخالفت كنيم ولي در عمل نمي‌كنيم. ما در اینجا می گوییم ما نه تمدید را می خواهیم ونه توافق طرفین برای تمدید راچون سر بزنگاه که میشود با ایرادهای مختلف آن راتمدید می کنیدویا شرایط به گونه ای می شود که جرات استفاده از حق را نداریم.همين حالا خانم اشتون گفته كه بايد شش ماه تمديد كنيم و ما هم بنا به دلايل مختلف تمديد مي‌كنيم. آن طور كه من مطلعم تيم مذاكره‌كننده اين پيام را هم بر اساس تجربه‌هاي قبلي دريافت كرده بود كه اگر در توافق نوشته شود «قابل تمديد» يا «قابل توافق» به درد ما نمي‌خورد. به جاي استفاده از اين عبارات، مدت زمان قابل تمديد بودن را به طور مشخص در توافق بياوريد. به تيم مذاكره‌كننده گفته شد عدد قابل تمديد بودن توافق را Fix كنيد. مثلاً بنويسيد 18 ماه، 24 ماه،‌ 36 ماه وچون مایک تجربه بدی از این تمدید داریم از یک سوراخ مومن دوبار گزیده نمی شود .

اصلاً بياييد طور ديگري فرض كنيم. بياييد فرض كنيم كه اين سلب حق موقت است و فقط تا مدت شش ماه ادامه خواهد داشت. فرض كنيم يك مدت از اين حق استفاده نمي‌كنيم ولي در گام نهايي حق‌مان را مي‌گيريم.

خوب حالا مي‌رويم به گام نهايي، چون مي‌توان فرض كرد كه همه اين كار‌ها موقت است. در گام نهايي هم «عدم باز‌فر‌آوري» تكرار شده است.که این خودنشان میدهد که در این توافق مایکی از حقوق خودمان راکه همان باز فراوری می باشد را از دست دادیم.گام ابتدایی موقت وشش ماه بود ولی گام نهايي بلند مدت است که احتمالا تا برزخ را شامل می شود وامریکاییها پنجم ابان در سندی که طبق مذاکرات ارائه داده اند مدت انرا20 سال ذکر کرده اندیعنی طبق توافق ما حداقل بیست سال از حق باز فراوری محرومیم. علت اینکه غربیها زمان آن را اینقدر طولانی می کنند رامی توان اینگونه توضیح داد که اصولاً غربي‌ها اول سعي مي‌كنند كه كشور‌ها رآقانونا محروم كنند مثل معاهده ی آن پی تی ولي اگر نتوانند، در عمل مانع می شوند ولی اگر در عمل نیز نتوانستندبحث تعلیق را می اورند وتعلیق یک واژه قشنگ است چون به طرف این حق را می دهد که دوباره راه اندازی کندوبرای تعلیق زمان تعیین نمی کنندولی می توانند مدت زمان تعلیق را نیز تمدید کنندویا اینکه آنقدر مدت را طولاني (تعريف) مي‌كنند كه نيروي تخصصي ما، كار را رها كند و برود. فرض كنيد شما دكتراي باز‌فر‌آوري گرفتيد و آمديد شروع به كار بكنيد. به شما مي‌گويند كه تعهد كرده‌ايم كه باز‌فرآوري نكنيم. اگر كوتاه مدت بود، مشكلي نبود ولي مشكل اين است كه تعهد عدم باز‌فر‌آوري 20 سال است. آيا با اين تعهد 20 ساله، نيروي متخصص شما حاضر خواهد بود 20 سال صبر كند؟ ودانشجو رها می کند و می رود واز آن به بعد نیز کسی دنبال این رشته در دانشگاهها نمی رود.آيا تجهيزات باز‌فر‌آوري ما بعد از 20 سال اصلاً به درد مي‌خورد؟وبه اسم تعلیق کاری می کند که تمام نیروی انسانی شما از بین برود وتجهیزات نیز عملا قابل استفاده نباشد.ودتر از این همین بیست سال را نیز در متن توافقنامه نگنجانده اند ولفظ طولانی مدت را اورده اند که ممکن است 20یا25 یا50سال باشد.

خوب ما فرض می کنیم که بیست سال اشکال ندارد پس چرا این را در متن توافق نامه نیاورده اید.حقوق باز‌فرآوري ما در گام اول به صورت موقت سلب شد، در حالي كه در گام نهايي به شكل بلند‌مدت سلب مي‌شود. طرف غربي در مذاكرات گفته كه گام نهايي 20 سال است و طرف ايراني گفته كه اصلاً امكان ندارد ما اگر بر‌گرديم (پايتخت) گرد‌نمان را مي‌زنند. طرف غربي گفته خب بنويسيم 10 سال، طرف ايراني گفته نه ما نمي‌توانيم چنين توافقي را به تهران ببريم. گفته خوب پس بنويسيم بلند مدت.مادر اینجا میگوییم بیست سال را همین الان تثبیت کن وان را به اینده موکول نکن چون در اینده معلوم نیست چه اتفاقی قرار است بیافتد همانقدر که ما به توافق نیاز داریم آنهاهم نیاز دارند پس همین الان فشار بیاور 20سال را را تثبیت کن اما قبول نکرداند. حقوق دان به مذاكره كننده مي‌گويد لفظ 20 سال را بنويسيد ولي لفظ «بلند مدت» را استفاده نكنيد چون روزه شك‌دار است. ممكن است بلند ‌مدت را تفسير به 50 سال هم بكنند! علاوه براین مایک حق وتو هم به طرف مقابل داده ایم این رامنوط به توافق طرفین کرده ایم یعنی اگر یک طرف موافق نباشد نمیتوان انرا اجرا کرد ما اگر بگوییم 25 سال طرف مقابل قبول نکند ما نمی توانیم کاری بکنیم علاوه بر این حق وتو یک حق وتوی دیگر نیز داده ایم وان این است که هیچ چیز توافق نمی شود مگر همه چیز وبه نوعی یا هیچ یا همه چیز در ظاهر این جمله دو جانبه است ولی اگر دقت کنیم می بینیم که این صددر صد به ضرر ماست علت این است که مارفتیم که توافق کنیم که تحریمها برداشته واگر توافق به هم بخورد به ضرر ماست ونقض غرض صورت می گیرد. همین حالا هم آنها دبه کرده وگفته اند 25سال .

خوب بحث بازفراوری را رها می کنیم وعطایش رابه لقایش می بخشیم حال ببینمیم در مورد راکتور اب سنگین اراک چه کرده اند.درگام اول متن امده که هیچ پیشرفت بیشتری درفعالیتهای خود در راکتور اراک انجام نخواهد داد واین یعنی راکتور اراک رارها کن . قرار بود اردیبهشت ماه امسال راکتور اراک را راه اندازی کنیم با توافق سوم اذر سال گذشته فعالیتهای راکتور اراک را متوقف کردیم وجلوی پیشرفت آن را گرفتیم .در این توافق نامه هرجا که مربوط به تکالیف ایران است به صورت ریز و دقیق امده است وهرجا که مربوط به تعهدات غربیها ست به صورت کلی وقابل لیزیدن است. مثلا همین جا که در مورد پیشرفت راکتور اراک است به طور دقیق منظور از پیشرفت چیست را توضیح داده است .گفته اینکه می گویم راکتور را راه اندازی نکن فقط عدم راه اندازی آن نیست نه سوخت ونه اب سنگین به راکتور نیاور,سوخت جدید نه تست بکن ونه تولید بکن وهمچنین اجزای باقی مانده را هم دیگر نصب نکن یعنی حتی یک پیچ هم سفت نکن. با این تعاریف دیدیم که در گام اول اب سنگین تعطیل شد حال به گام نهایی میرویم ببینمیم که ایا در انجا حق ما استیفا شده است یا خیر.

در گام نهایی نوشته به طور کامل نگرانی های مربوط به اب سنگین اراک را برطرف نماید .ما به وندی شرمن میگوییم راکتور اراک جای نگرانی ندارد می گوید دیگر جای بحث نیست بحث مربوط به توافق بود که انجام شد الان زمان عمل است .ما می گوییم که راکتور اراک که کاملا تحت نظارت اژانس می باشد واحتمال انحراف درا ن نمی رود .او می گوید اینها را که دیپلماتهای شما قبلا می دانستند ولی قرار شد نگرانی مارا به طور کامل برطرف کنید واین یعنی یک چک سفید امضا در اختیار طرف غربی که می تواند بگوید نگرانی من زمانی به طور کامل برطرف می شود که اب سنگین اصلا نباشد.ما در جواب می گوییم اینکه مخالف بند چهار معاهده ی آن پی تی است او می گوید بله این شامل شما نمی شود بر طبق معاهده و در قسمت اما بعد که امده زمانی باشما بر طبق آن پی تی برخورد می شود که این بیست سال طی شود.وماطی این بیست سال نمی توانیم به آن پی تی استناد کنیم وباید براساس توافقنامه پیش برویم.مذاکره کننده ما که قرار بود حق مارا بگیرد حتی ما را از حقوق آن پی تی نیز سلب کرد وتابیست سال از حقوق مندرج در آن پی تی نیز محروم شدیم وبعد از بیست سال نیز باید به مذاکره بنشینیم. زیرا همانطور که قبلا جان کری گفته بود در این توافقنامه چیزی به نام غنی سازی به رسمیت شناخته نشده است.

خانم وندی شرمن می گوید زمانی که شما قبول کردید که نگرانی مارا به طور کامل برطرف کنید چک سفید امضا به مادادید واین چک را ماحق داریم پر کنیم .ونگرانی ما زمانی به طور کامل برطرف می شود که راکتور اب سنگین نباشد وما می گوییم این زیاده خواهی است او می گوید که نه این زیاده خواهی نیست چون قرار است که چک سفید امضا را من پرکنم ونگرانی من اینگونه برطرف می شود شما اگر می خواستید باید همان موقع در ژنو این چک را نمی دادید یا می گفتید که ماهیت اب سنگین نباید تغییر کند ولی بعد از توافق و دادن چک سفید امضا به ما ماحق داریم بگوییم که شما چه بکنید.راکتور اب سنگین می تواند پلوتونیوم تولید کند واین هم قابلیت تولید بمب را دارد واین مارا نگران می کند.

ما می گوییم این حرف بی ربطی است ورییس سازمان انرژی اتمی ما درتاریخ 93.2.6گفته است که راکتور اب سنگین ما نمی تواند پلوتونیم مورد نیاز برای تولید بمب را تولید کند وعلت آن این است که برای تولید بمب سوختی که داخل راکتوراست باید سه الی چهار هفته در قلب راکتور بماند بعد اگر آن رادربیاوری قابلیت تبدیل شدن به بمب رادارد اما در راکتور اب سنگین اراک ما سوخت را به مدت یک سال در قلب راکتور قرار می دهیم که این کار سبب می شود پلوتونیوم به سمومی که در راکتور تولید می شود اغشته می شود که قابلیت تبدیل شدن به بمب را از دست می دهد. درنتیجه راکتور ما نگرانی ندارد در جواب ما می گوید ما به این کاری نداریم نگرانی ما باید به طور کامل برطرف شود.

می گوید ما می توانیم از روشهای تکنیکی این نگرانی شما راکاهش دهیم اما راکتور اب سنگین باقی می ماند.در جریان سفر بیست روزه ی آقای ظریف به نیویورک در همان ایامی که اسرائیل به فلیسطین تجاوز کرده بود وداعش در عراق نفوذ کرده بود ,جان کری به ظریف می گوید شما نیاز به راکتور اب سنگین ندارید وپیشنهاداتی به ایرانیها می دهند وتیم ایران می گوید اینکه شما می گویید دیگر اب سنگین نیست در جواب می گویند ما به اسم کاری نداریم هر اسمی می خواهید روی این بگذارید ولی آن باید باشد که ما می گوییم وراکتور اراک اگر بخواهد راه بیافتاد نباید در آن پلوتونیوم تولید شود وتیم ایران قبول کرده است که تغییر طراحی بدهد (ماقبلا تغییر طراحی را در نیروگاه بوشهر تجربه کرده ایم زمانی که المان نیروگاه بوشهر را رها کرد روسیه قرار بود به جای آنها راکتور را بسازد روسها گفتند ما می توانیم دو ساله یک راکتور جدید به شما تحویل بدهیم اما ایران گفت ما اگر بخواهیم یک راکتور جدید بسازیم تمام سرمایه ی مااز بین می رود وشما باید همان راکتور نیمه کاره ی قبلی راتغییر طراحی بدهید .روسها گفتند چیزی که ما می خواهیم بسازیم با این بسیار متفاوت است .تغییر کاربری مثل اینکه مایک ساختمان را که برای سکونت بنا شده باشد را بخواهیم به اداری یا تجاری تبدیل کنیم که بسیاری از بنیادهای آن باید تغییر کند.در بوشهر نیز روسها همین مشکل را داشتند وعلت طولانی شدن آن که بیست سال طول کشید یکی همین تغییر کاربری بوددر صورتی که اگر از نو می خواست بسازد دو سال می کشید.حالا ما اگر بخواهیم راکتور اب سنگین اراک را تغییر کاربری دهیم مثل بوشهر می شود بلکه از آن نیز سختر وشاید امکان آن نیز نباشد .خوب چرا ما نیاییم یک ساختمان جدید بسازیم وبه راکتور اراک دست نمی زنیم طرف غربی این را نیز قبول ندارد چون می خواهد زمان طولانی شود ونیروی انسانی کار رها کند وبرود متخصصی که قرار بود امسال بیاید ودر اب سنگین مشغول به کار ما به او می گوییم برو چون می خواهیم تغییر کاربری ایجاد کنیم تغییر کاربری چون زمانش معلوم نیست وخودشان در مذاکره گفته اند که تغییر کاربری راکتور اب سنگین اراک حداقل هشت سال طول می کشد یعنی حداقل تا هشت سال راکتوراب سنگین نداریم اما باز هم نگرانی برطرف نمی شود.(در شرایط فعلی اگر راکتور راه می افتاد سالانه نه کیلو پلوتونیم به ما می داد ما گفتیم باتغییر طراحی این نه کیلو را به یک کیلو کاهش می دهیم.

دوم برای کاهش نگرانی ما مخزن را کوچک می کنیم.

سوم:در اینجا اگر 150 مجتمع سوخت می خواهد ما آن را به20 عدد تقلیل می دهیم

چهارم :ما سوختی که در اینجا بکار می رود که ازنوع سوخت طبیعی است را تغییر میدهیم چون سوخت طبیعی پلوتونیوم تولید می کند .مابه جای آن از سوخت اورانیوم تضعیف شده استفاده می کنیم.

با توجه به موارد بالا ما تا دوازده سال اینده فقط می توانیم یک کیلو دویست گرم پلوتونیوم تولید کنیم که به هیچ دردی نمی خورد.وقتی تیم ماتمام این پیشنهادات را می دهد جان کری می گوید پیشنهادات شما بسیار عالی است اما نگرانی ما به طور کامل برطرف نمی شود .پس چه باید بکنیم شما باید به جای اورانیوم ضعیف شده باید از غنی شده استفاده کنید.ما می گوییم اینکه شمامی گویید میشود اب سبک وطرف غربی می گوید همین که هست .وعلت این چیزی نیست جز متنی که با بی دقتی قبول کردیم.

با توجه به این مشاهده می کنیم که راکتوراب سنگین مانیز به مانند حق باز فراوری از دستمان خارج شد.

راکتور اب سنگین چهار کاربری برای مادارد :1.برقی که برای ما تولید می کند که در اینجا چون تحقیقاتی است چهل مگا بات بیشتر نیست. 2.تولید پلوتونیم 3.تولید رادیو ایزوتپ صنعتی انجام می دهد که فقط مختص راکتور اب سنگین است واب سبک نمی تواند آن را تولید کند4.متخصصانی که مابرای تحقیق روی اینها تربیت کرده ایم می توانند روی این موارد کار کنند.

زمانی که ما راکتور اب سنگین را تغییر می دهیم فقط مورد اول باقی می ماند بقیه ی موارد از بین میرود دانشجویی که قرار بود بیاید روی رادیو ایزوتوپهای تولید شده در اب سنگین مطالعه کند دیگر نمی تواند چون با این راکتور تغییر کار بری داده شده که مخزن آن کوچک شده وسوخت آن تضعیف شده دیگر رادیو ایزوتوپ های بسیاری را تولید نمی کند.

چنین راکتوری هر اسمی می خواهد داشته باشد دیگر کاربری های راکتور اب سنگین را ندارد حالا هر اسمی می خواهد داشته باشد.

**حق غنی سازی**

حالا ببينيم كه آيا حق سوم يعني حق غني‌سازي ايران در توافق هست يا نه؟ آقاي جان كري بلافاصله بعد از تمام شدن مذاكرات گفت كه در اين توافق حق غني‌سازي ايران به رسميت شناخته نشده علاوه بر این اوباما در هجدهم اذر در اجلاس ساوان سخنرانی کردوگفت در این سند یا توافق نامه هر اسمی که می خواهد داشته باشد در این متن چیزی به نام حق غنی سازی وجود ندارد. ولي آقاي ظريف در مصاحبه ی تلوزیونی که باشگاه خبر نگاران جوان این مصاحبه را اورده گفت حق غنی سازی برای ایران به رسميت شناخته شده، بلكه دو مرتبه هم به رسميت شناخته شده است. آقاي ظريف اين بحث را فقط يك بار مطرح كرد و ديگر هم تكرار نكرد. چرا تکرار نکرد چون پیشنهادی راکه به اوباما داده بود را خودش نیز انجام داد .اوباما گفته بود که شما حق داشتن راکتور اب سنگین را ندارید وباید آن را اوراق کنید وظریف به اوباما پیشنهاد کرد که یک بار دیگر متن را بخواند کلمه ی اوراق کردن در متن وجود ندارد که در اینجا آقای ظریف درست می گفت کلمه ی اوراق کردن وجود ندارد ولی جمله به طورکامل نگرانی غرب رابرطرف بکنید حق اوراق کردن را به آنها می داد واوراق کردن به طور مستتر در آن وجود دارد .ما دراینجا پیشنهاد ظریف به اوباما را در مورد خواندن دوباره ی متن اجرا می کنیم متن را دوباره می خوانیم ببینیم که حق غنی سازی در متن اورده شده است یا نه .حق غنی سازی یعنی right to enrich ما این کلمه را در متن جستجو می کنیم و می بینیم چنین کلمه ای در متن وجود ندارد این کلمه نه در متن آقای ظریف وجود دارد ونه در متنی که در دست خانم اشتون وجود دارد پیدا می شود.پس می بینیم که آقای جنایت کار در این مور د راست گفته است .

خب شاید این کلمه به صراحت نیامده باشد به صورت مستتر در متن امده باشد .خوب آقای ظریف که حرفی دراین مورد نزد از آقای عراقچی عضو تیم مذاکره کننده سوال می کنیم آقای عراقچی می گوید حق غنی سازی در بین مسئولین ما کمی مبهم شده وما می گوییم رئیس جمهور ما حقوق دان است این که معنی نداردیعنی آقای رئیس جمهور در نامه ای که به آقا زده وگفته ما حق غنی سازی را بدست اورده ایم یعنی بلوف زده آقای عراقچی می گوید حق غنی ساز به هیچ نحوی نه به صورت دوفاکتو ونه دورژه به رسمیت شناخته نشده است وآقای رئیس جمهور اشتباه کرده است .در اینجا یک صوتی از آقای عراقچی پخش می شود که در آن می گوید این سخن رئیس جمهور در مورد حق غنی سازی اشتباه است .

با این سخن ما یقین کردیم که ما حق غنی سازی را هم از دست دادیم وبه این ترتیب مشاهده می کنیم که از آن سه حلقه ی اصلی یعنی حق باز فراوری وراکتور اب سنگین اراک وحق غنی سازی هر سه را در این توافق نامه از دست دادیم. ده سال تلاش کردیم که این سه حلقه را بدست اوریم اما بعد از ده سال هر سه را از دست دادیم.

چند نکته ی مهم :

مااول باید یک فهم دقیق از متن توافق نامه داشته باشیم که چیز بسیار پیچیده ای نیز نمی باشد.باید دقت کنیم کنیم که متن به درستی ترجمه شود یکی از اشتباهات ما در همین جا بود که فهم درستی از متن نداشتیم .وقتی آقای ظریف خودش می گوید که من به تیم مذاکره کننده گفته ام که خودشان متن را ترجمه کنند چون به کار سوارند بهتر می توانند ترجمه کنند واین متن را تیم مذاکره کننده شامل آقای عراقچی وتخت روانچی ونیز نظارت آقای ظریف ترجمه کردانداما با کمال تاسف مدتی بعد خودشان نیز به غلط بودن ترجمه ی متن اعتراف کردند وگفتند به سراغ متن اصلی بروید ومتن ترجمه زیاد اعتبار ندارد این یعنی یک فاجعه یعنی تیم مذاکره کننده ی مااصلا نفهمیده چه توافقنامه ای را امضا کرده است.

از واژه ی اول این ترجمه شروع می کنیم نوشته برنامه ی اقدام مشترک که انگلیسی ان(‌Joint Plan of Action)می باشد در انگلیسی جای موصوف وصفت با فارسی فرق دارد ما در فارسی می گوییم کاخ سفید در انگلیسی می گوید سفید کاخ در اینجا به جای برنامه ی مشترک اقدام ترجمه کرده اند برنامه ی اقدام مشترک که نشان میدهد از ب بسم الله اشتباه در ترجمه شروع شده است.

از وندی شرمن در مورد تیم مذاکره کننده ی جدید سوال کرداند شرمن در جواب گفت من همان جواب کاترین اشتون را می دهم

جلسه ی دوم

مادر اینجا باید به یک نکته توجه کنیم :یک حق غنی سازی دو فعالیت غنی سازی وسوم اسم غنی سازی و در این توافق نامه حق غنی سازی از ما سلب شده است ما در ادامه بررسی می کنیم ببینیم که چه چیزی به ما داداند اسم غنی سازی را داداند یا اجازه ی فعالیت غنی سازی را داده اند یا نه

در توافق نامه دو جا در مورد غنی سازی صحبت شده است یکی در مقدمه که نوشته این راه حل جامع در برگیرنده ی یک برنامه ی غنی سازی که توسط طرفین تعریف شده بامحدودیتهای عملی واقدامات شفاف ساز برای کسب اطمینان از ماهیت صلح امیز این برنامه است.

اسم غنی سازی نیز در این برنامه امده است وهمچنین در مورد فعالیت غنی سازی به این صورت که یک برنامه ی غنی سازی گفته شده امده است اما اجرایی کردن آن رانیز بامحدودیتهای مختلف تعریف نموده است گفته اولا برنامه ی غنی سازی باید توسط طرفین تعریف شود واگر یکی از طرفین تعریف نکرد مایک برنامه هم نمی توانیم داشته باشیم ماطبق آن پی تی صد برنامه ی غنی سازی هم می توانیم داشته باشیم و این برنامه ها را در هر شهری از ایران که بخواهیم می توانیم تعریف کنیم اما دراین توافقنامه ژنو چک سفید امضای آن پی تی را از ماگرفته اند وفقط اجازه داده اند یک برنامه ی غنی سازی ما داشته باشیم آن هم مشروط به اینکه طرف مقابل برای ما چگونه تعریف کند وچه محدودیتهایی که می خواهد برای ما بگذارد.برای اینکه a programروشن شود یک مثال می زنیم فرض کنید شما یک ماشین دارید که مال خودتان است با این ماشین هرجا وموقع که دوست داشتید می توانید بروید به شمال بروید یاجنوب بروید شب یا روز بروید حق غنی سازی در آن پی تی همین طور است اما اگر ماشین مال شما نباشد وفقط شما اجازه داشته باشید یک بار از این ماشین استفاده کنید آن هم نه هرجا که دلتان می خواهد بروی یا هرزمان که دوست دارید بلکه طرف مقابل برای شما تعیین می کند که کجا بروید وچه موقع بروید.توافقنامه ی سوم اذر حق غنی سازی ما را ازما گرفته وفقط یک برنامه که طرف غربی باید آن را تایید کند به ما داده است علاوه بر این باید اقداما ت شفاف ساز نیز انجام دهیم که فراتر قرارداد پادمان است که این ماورای تعهدات حقوقی ما در قرار داد پادمان است .نظارت یا باید براساس پادمان باشد ویا براساس پروتکل الحاقی که ما در آن عضو نیستیم. ما به کری می گوییم ما که در پروتکل الحاقی عضو نیستیم در جواب می گوید این که هیچ شما باید فراتراز پروتکل الحاقی شفاف سازی کنید.بعد از این مقدمات حال به گام نهایی میرویم ببینیم انجا چه کارهایی باید انجام دهیم تا به ما اجازه ی غنی سازی بدهند.

در گام نهایی می گوید باید در بر گیرنده ی یک برنامه ی غنی سازی که توسط طرفین تعریف شده با عناصر توافق شده به اینجا که می رسیم میگوییم خوب اجازه ی یک برنامه را می دهید یا نه میگوید نه باید روی عناصر آن نیز توافق کنیم .ایا اصلا شما نیاز عملی به غنی سازی دارید یا خیر وتشخیص اینکه ایا شما نیاز عملی برای غنی سازی دارید یا نه بر عهده ی من می باشد.خوب مااینجا می گوییم ما نیاز عملی به غنی سازی داریم مجلس از ما خاسته بیست هزار مگا بات برق هسته ای تولید کنیم که این نیازمندبیست نیروگاه مثل بوشهر است که هر کدام سی تن مواد پنج درصد می خواهد واین نیاز عملی ما به غنی سازی است اماطرف غرب می گوید نیاز عملی را من باید تعریف کنم واین حق به من داده شده است نه کنگره ی شما .ما نیاز عملی شما را اینگونه تعریف می کنیم که شما همین حالا یک راکتور اماده داشته باشید ونیاز به سوخت داشته باشد دراین صورت شما نیاز عملی دارید نه اینکه در اینده می خواهید نیروگاه بسازید وبعدها نیروگاه نیاز به سوخت پیدا می کند. ما می گوییم خوب ما همین الان نیاز عملی به سوخت بیست در صد داریم راکتور تحقیقاتی تهران که رادیو ایزوتوپ دارویی تولید می کند نیاز به سوخت 20 درصد دارد ویک میلیون نفر از داروهای آن استفاده می کنند در جواب می گویند شما نیاز ندارید به این علت که مسئولین شما گفته اند شما نیاز به سوخت بیست درصد نداریدووقتی نگاه می کنیم می بینیم تمام مسئولین ما از رئیس سازمان انرژی اتمی گرفته تا وزیر خارجه گفته اند ما به سوخت بیست در صد نیاز نداریم پس وقتی مسئولین شما میگویند نیاز ندارید جای بحثی وجود ندارد.در گام اول غنی سازی بیست درصد را منع کرد کاری که ما درفردو انجام می دادیم غنی سازی بیست درصد بود که آن را متوقف کرداند.

در گام نهایی نیز می گوید نمی توانم یک برنامه غنی سازی بیست درصد تعریف کنم چون مسئولین شما اعلان کرده اند که به بیست درصد نیاز نداریم پس بیست درصد از ما سلب شدی حقی که طبق آن پی تی مجاز بودیم داشته باشیم.خب ما از بیست درصد صرف نظر می کنیم ما نیاز عملی به غنی سازی پنج درصد داریم یک برنامه ی پنج درصد برای ماتعریف کن می گوید یه راکتور به مانشان بده که سوخت 5درصد بخواهد که شما الان بخواهید به آن تزریق کنید ماراکتور بوشهر را نشان می دهیم که سالیاه سی تن مواد می خواهد وذخیره ی اورانیوم ما در نطنز هشت ونیم تن است وبیست ویک و نیم تن کم داریم خوب پس یک برنامه تعریف کن تا ما بتوانیم این کمبود راتولید کنیم در جواب می گوید شما نیاز ندارید شما با روسیه قرار داد دارید که سوخت شما را تامین کند وشمانیاز عملی به تولید ندارید پس با این اوصاف می بینیم که حتی یک برنامه ی غنی سازی راهم به مانداد وفقط اسم غنی سازی را به ما داد.ولی عمل غنی سازی را به ما نداده است. حتی اجازه نداده یک دور هم با ماشین تک چرخ بزنیم.

خب برای بعد از ده سال چه باز هم اجازه نمی دهی می گویده خیر چرا چون بااین کاری که شما کردی روسیه قبول کرده مادام العمر سوخت شما را تامین کند.علت اینکه روسیه این کار را کرد این است که در جریان جنگ کریمه واختلاف روسیه با اکراین روسیه نماینده ویژه به ایران فرستاد تا با ایران روابط استراتژیک برقرار کند. غرب روسیه راتهدید به تحریم کرد وروسیه نیز در پاسخ به تهدید غرب گفت من هم گاز اروپا راقطع می کنم واروپا هم که حیات ومماتش وابسته با گاز روسیه است در این شرایطی که روسیه نماینده ی ویژه به ایران فرستاده برای برقراری روابط استراتژیک تنی چند از مسئولین ما اعلام می کنند اگر روسیه گاز اروپا را تامین نکند ماگاز اروپارا تامین می کنیم وعلیه روسیه سخن گفت روسیه هم در قبال این حرکت ایران در جلسه اعلام کرد که ما هم مادام العمر سوخت ایران را تامین می کنیم واین یعنی ایران نیاز به غنی سازی ندارد.بعد از این قضیه مرکز پژوهشهای مجلس یک امار دراورد که اگر بتوانیم فقط گاز مصرفی خودمان را تامین کنیم هنر کرده ایم چه برسد بخواهیم گاز اروپا را تامین کنیم ما به این مسئول می گوییم به چه تدبیری این حرف را زده ای در شرایطی که روسیه با غرب در اختلاف است و ما می توانیم با استفاده از این اختلاف در 5+1شکاف ایجاد کنیم وهمچنین روابط استراتژیک با روسیه برقرار کنیم چرا این فرصت را از بین بردی واین حرف چه ثمره ی عملی برای جمهوری اسلامی ایران داشته است.

حتی روسیه یک پیشنهاد عملی دیگری نیز به ایران داد وگفته بود مگه اینها شمارا تحریم نفتی نکرده اند شما بیایید به تعداد پانصد هزار بشکه نفت تهاتر انجام می دهیم وبه جای پول هر جنسی که می خواهی ببر .وبه نوعی با این کار تحریم را دور میزنیم .امریکاییها به محض اطلاع ازاین موضع گرفتند وگفتند با این کار تحریم ها بی اثر می شود.روسیه برای تحریم ما راهکار عملی می دهد وما با کاری که اصلا نمی توانیم انجام دهیم روسیه را تهدید می کنیم.روسیه تلاش می کند روابط استراتژیک با ایران برقرار کند ونماینده ی ویژه برای ما می فرستد ومایک فرد سطح پایین را می فرستیم وبا این کار روسیه متوجه می شود ما اهل کار استراتژیک نیستیم.

سایر محدویتها

محدوديت ديگر برنامه غني‌سازي ايران در گام نهايي، شامل «دامنه (scope)»، «سطح (level)»، «ظرفيت (capacity)»، مكان، ميزان و دوره برنامه غني‌سازي است وایران برای غنی سازی سرهمه ی این موضوعات بحث کند.ما می گوییم جان کری شما برای یک برنامه ی غنی سازی این همه شروط می گذارید خب یکدفعه آن را هم ندهید جان کری می گوید ما قبلا سر این موضوعات بحث کرده ایم الان موقع اجراست.

سوال:

در سال 89 کشورهای غربی از طریق واسطه بدین صورت که امریکا ییها متنی راتدوین کرداند وان را به سفیر سوئیس داداند وسفیر سوئیس آن رابه سفیر ایران در المان دادسفیر هم آن رابه ایران اوردوگفت که امریکاییها غنی سازی راقبول کرده اند ودرهمان زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد جلسه ای تشکیل شد ومتن مورد بررسی قرار گرفت ودر متن اورده شده بود غنی سازی بر اساس نیاز های واقعی وبه محض اینکه این کلمه را در متن دیدیم گفتیم نامه راپاره کن ودور بنداز وقتی می گوید غنی سازی براساس نیازهای واقعی یعنی غنی سازی تعطیل چون نیاز شمارا روسیه تامین می کند وبقیه را هم نیازی ندارید امریکاییها وقتی در سال 89 به نتیجه نرسیداند نیز واقعی راتغییر داداند وکرداندنیاز عملی که باز هم همان معنا رامی دهد به آنها گفتیم که آنها غنی سازی رانپذیرفته اند ولی تیم نزد رهبر امد وگفت که غنی سازی را پذیرفته ونیاز عملی را ما باید تشخیص دهیم درصورتی که در متن امده نیاز عملی راباید طرفین تشخیص دهد ونه فقط ایران آنها گفتند که نه خیر این طور نیست و ما باید نیاز عملی راتشخیص دهیم و رهبر هم قبول کرداند رهبری فرمود شما بروید وبپرسید نیاز عملی ما چقدر است وشما باید آن را مبنا قرار دهید .مسئولین امر گفتند نیاز عملی 190 هزار سو می باشد که این فقط برای بوشهر است ورهبری این رابه صورت علنی اعلام کرداند وفرموداند مسئولین گفته اند که نیاز عملی ما 190 هزار سو می باشد.وآقا در جمله اش می گوید که مسئولین می گویند و نظر خود ایشان نمی باشد.

حالا بررسی کنیم ببینیم 190هزار سو یعنی چه؟

آقای صالحی در مصاحبه ای میگوید 190هزار سو یعنی 64 هزار دستگاه پی وان کافی است.در صورتی که سوی دستگاه های پی وان ما 1.2است یعنی برای رسیدن به 190هزار سو باید حدود 158هزار دستگاه پی وان ما داشته باشیم.دستگاههای پی وان همین دستگاههایی است که در نطنز وفردواستفاده می کنیم.

اما چیزی که امریکاییها برای غنی سازی ما حاضر شدند قبول کنند این بود که آنها پیشنهاد کرداند که راکتور اب سنگین خود رابه اب سبک تبدیل کنیم وبرای تامین سوخت این واحد اجازه داداند که ما غنی سازی کنیم وبرای تامین سوخت این واحد شما می توانید 1500 سانتریفوژ پی وان داشته باشیم در روز 22 تیر جان کری به آقای ظریف می گوید شما می توانید 1500 دستگاه داشته باشید آقای ظریف گفت این قابل قبول نیست 190هزار سو کجاو 1800 سو کجا وآقای ظریف یک پیشنهاد داد وگفت ما فعلا از 190هزار سو صرف نظرمی کنیم وان را بعد پایان توافق ژنو بحث می کنیم اما شما قبول کنید همین بیست هزار سانتریفوژی راکه در حال حاضر داریم در گام نهایی اجازه دهید فعال باشند در گام اول به ما گفته بوداند که غنی سازی بیش از 5 درصد را متوقف کنید وهرگونه پیشرفت را در نطنز وفردو متوقف کنید یعنی تعداد دستگاههایتان بیشتر نشود وهمچنین دستگاههایی که به آنها تزریق صورت نگرفته تزریق نشوداز بیست هزار دستگاهی که بود 9800 تای آن تزریق شده بود و 10هزارتای آن اماده ی تزریق بود که گفتند آنهارا نباید تزریق کنید که این را هم پذیرفتند.ایران درخواست کرد که هر بیست هزار تا شروع به فعالیت کنند اما امریکا قبول نکرد وگفت شما نیاز ندارید گفتیم خب پس اجازه بدهید همان 9400 تا بتوانند تا هفت سال یعنی تاپایان قرار داد روسیه در تامین سوخت مورد نیاز ایرانکار بکنند جان کری قبول نکرد وگفت شما نیاز ندارید باز یک گام عقب امدیم وگفتیم خب همین تعداد باشد ومیزان تزریق را کاهش می دهیم مثلا میزان تزریق مواد راکاهش می دهیم تا خروجی نیز کاهش یابد باز هم قبول نکرداند و گفتند شما نیاز ندارید مذاکره یعنی همین وقتی یک چیز اشتباه را پذیرفتی مدام باید کوتاه بیایی تا طرف را متقاعد کنی گفتیم خب مایک کار دیگر نیز می کنیم همه ی خروجی را مثلا دو ونیم تن رانیز تبدیل به اکسید می کنیم باز هم گفتند نه مواد خام نمی گذاریم نگه دارید چون نتایاهو و اوباما شب نمی توانند راحت بخوابند.چون ایران در غنی سازی خود کفا شده است ودستگاه در خود ایران تولید می شود واین مواد هر لحظه ممکن است به چیز دیگری تبدیل شود.باز هم کوتاه امدیم وگفتیم خب این مواد را تبدیل به میله ی سوخت می کنیم که یک محصول است وتبدیل آن به چیز دیگر بسیار سخت است باز هم قبول نکرداند خب پس ما چکار کنیم میگوید شما 1500 تا بیشتر نیاز ندارید.

آقای حسین فریدون رفت و گفت ما حاضریم شش هزار تا رانیز قبول کنیم جان کری بازقبول نکرد در مورد شش هزارتا هم همه ی تقلیل های 9400 تا را گفتند ولی باز هم قبول نکرداند چرا مامجبور بودیم اینقدر امتیاز بدهیم چون اول کار در توافق ژنو یک گندی زدیم وحالا مجبوریم هی کوتاه بیاییم واز طرفی هم نمی توانیم توافق رابه هم بزنیم چون مارفته بودیم که تحریم ها را برداریم حالا اگر توافق را کنار بزنیم تمام اهدافمان زیر سوال می رود وشرایط هسته ای نیز سخت تر از گذشته می شود چون وقتی یک سری چیزها را در توافق قبول کردی دیگر شرایط قبل از توافق را نداری وحتی اگر زیر توافق هم بزنی شرایطت مثل اول نمیشود ودیگرنمی توانی غنی سازی بیست درصد انجام دهی چون تمام مسئولین تو گفته اند که به بیست درصد نیازی نداری وحالا اگر بخواهی بیست درصد تولید کنی راحت میگویند تو می خواهی بمب تولید کنی چون تو به بیست درصد نیازی نداشتی.

علت اینکه مذاکره متوقف شده علتش همین مسئله ی غنی سازی است.در پنج ابان ویلیام برنز در مسقط طی گفتگوهای محرمانه ای گفت که نهایت این مذاکرات این است که نهایتا شما سه هزار سانتریفوژ فعال خواهی داشت وبراساس آن گفتگوها بود که مسئولین می گفتند ما غنی سازی را خواهیم داشت .ونهایتا ما با این سه هزار فقط می توانیم لذت ببریم وثمره ی عملی دیگر هیچ وفقط به صورت یک امر سمبلیک باقی خواهد ماند.

ویلیام برنز قبل از اینکه توافقی شکل بگیرد گفته که سه هزار تا ,جان کری می گوید 1500 وما می گوییم شش هزار تا وسط اعداد چند می شود میشود همان سه هزار تایی که ویلیام برنز قبل از مذاکرات گفته بود.

درنتیجه اگر مابخوابیم اینها می روند وروی همان سه هزار تاتوافق می کنند ولی اگر بیدار باشیم قضیه طور دیگری می شود

مبحث بعدی ما تحقیق وتوسعه می باشد:

خطوط قرمز رهبری درمورد انرژی هسته ای که در سایت رهبری نیز گذاشته شده است:حرکت هسته ای ما به هیچ وجه نباید متوقف بشود ونه کند شود.که این یکی از خطوط قرمز است که این مذاکرات آن را رد کرد به روش که هم آن را کند کرد وهم متوقف ایران در توافقنامه پذیرفته تحقیق وتوسعه ی خود را فقط در فعالیتهای جاریش ادامه بدهد وباگذاشتن کلمه ی جاری در متن هم آن را کند کرداند وهم متوقف.تیم ایران در دوازده ژانویه توافقی راقبول کرداندکه آن را نیز منتشر نکرداند سه گام به عقب رفتند در انجا پذیرفتند که ما فقط می توانیم روی چیزهایی که الان داریم وروی آنها تحقیق می کنیم تحقیقات خود را ادامه بدهیم مثلا اگر سانتریفوژهای نسل یک ودو سه داریم فقط روی اینها می توانیم تحقیق کنیم وما نمی توانیم به سراغ نسل های پیشرفته تر وبالا تر برویم وحتی در مورد همین هایی که داریم می گوید شما فقط همین تعداد نسل یک یانسل چهار را داری فقط روی همینها می توانی کار کنی نمی توانی به تعداد آنها اضافه کنی.

تعداد سانتریفوژ نسل های مختلف ما بدین صورت است نسل چهار 14 تا نسل شش 13 تا 6sفقط یک عدد نسل پنج نیز فقط یک عدد داریم که براساس این توافق یکی هم به هیچ یک از این سانتریفوژها نمی توانیم اضافه کنیم.این درحالی است که در تحقیقات اول یک سانتریفوژ تولید می شود در صورتی که در ازمایش موفق بود بعد از آن نه دستگاه را کنار هم می گذاریم اگر جواب داد 19 دستگاه را به صورت زنجیره کنار هم می گذاریم اگر جواب داد 164 دستگاه را کنار هم می گذاریم که به این یک ابشار می گویند اگر این ابشار جواب داد تحقیقات به نتیجه رسیده است وبعد ازاین مرحله است که وارد تولید انبوه می شوند .حالا با این توافق این دستگاهها را در یکی متوقف کرده اند واین یعنی تحقیقات تعطیل .

درگام نهایی نیز تحقیق وتوسعه را نیز محدود تر کرده اند امریکا گفته چون شما نیاز به غنی سازی ندارید چه نیازی دارید روی نسلهای پیشرفته تر سانتریفوژتحقیق کنید وشما فقط می توانید روی نسل یک سانتریفوژهایتان تحقیق کنید

در گام نهایی هنوز زمان توافق نشده غربی ها گفته اند حداقل بیست سال بعد گفته اند یک بیست سال ویک ده سال اضافه بر آن که دران نظارت ویژه ی اژانس ادامه داشته باشد

تکالیف طرف مقابل:

5+1 پذیرفته اند اقدامات زیر را انجام دهند :1.ایجاد وقفه(pause) درتلاشهایشان (efforts)وقفه یعنی اینکه طرف غربی حتی یک زمان محدود هم دست از تلاش بردارد به تعهد ش عمل کرده است چون زمانی برای آنهامشخص نشده است همین طور که مشاهده می کنیم تعهد طرف غربی جملاتش اجمالی وغیر دقیق است.طرف غربی یک صفحه در مورد تعهدات خودش می نوسید اما یک ذره هم ارزش ندارد اما سه جمله در مورد تعهدات ما می نویسد وبا همان سه جمله دست وپای ما را به طور کامل می بندد.ماسر همین کلمه ی وقفه با امریکا بحثمان می شود ومی گوییم امریکا به تعهداتش عمل نکرد.قاعدتا در مورد هر توافقی یک بخشی رابه عنوان حل وفصل اختلافات قرار می دهندو در آن می گویند یاحکم بپذیرید یا داوری بین المللی مشخص می کنند ویا دادگاه می روند.امادراین توافقنامه هیچ گونه حکمی پیش بینی نشده است وفقط گفته یک کمسیون مشترکی تشکیل می دهیم که در آن نظارت کنند بر اقدام کوتاه مدت وموضوعاتی که مطرح می شود.کوتاهی که اینجا شده منظور از کوتاه مدت را روشن نکرده یعنی چه؟کوتاه مدت یعنی گام اول یا گام دوم یا گام نهایی ودر نهایت کوتاه مدت یعنی کدام مرحله را شامل می شود.گام نهایی راکه حتما شامل نمی شود چون این مرحله بلند مدت است وکمسیون نمی تواند در این مرحله وارد شود وفقط شامل گام اول می شود وکمسیون می تواند دراین گام تشکیل شود.حالا فرض کنیم در این گام مشکلی پیش امد وکمسیون تشکیل شد اعضای کمسیون که شامل ما و طرف غربی می شود ودر جلسه ما میگوییم شما به تعهد خود عمل نکردید خب انه چه می گویند میگویند بروید به خانه ی خودتان چرا چنین جوابی به ما می دهند چون هیچ گونه تعهدی وجود ندارد .در نتیجه وجود این کمسیون هیچ گونه ثمره ی عملی ندارد .

(مابقال سر کوچه را که نفرستادیم برود مذاکره ما کسی رافرستادیم که همه ی اینها را بنویسد.)چون در متن هیچ نوع داور ویا حکمی رامشخص نکرده است. ماحتی فرض کنیم که حکم نیز تعیین میشد و مابه دادگاه می رویم به رئیس دادگاه می گوییم که طرف مقابل به تعهد خودش عمل نکرده است رئیس دادگاه به می گوید که تعهد طرف مقابل شما چه چیزی است ما نشان میدهیم می گوییم ایشان تعهد کرده که به تلاشهایش در کاهش فروش نفت خام وقفه ایجاد کندبه نحوی که ما تعهد داده ایم به بیش از مشتریان فعلی نفت نفروشیم قبل از توافق ما مجاز بودیم به هر کشوری که می خواهیم نفت بفروشیم اما بعد از تعهد مجاز شدیم فقط به این شش کشور نفت بفروشیم واین هم جزء موفقیت های تیم مذاکره کننده است وجای تشکر دارد.

وهمچنین یکی دیگر از تعهداتش این است که مقدار از پولهای ما را برگرداند ولی میزان مبلغ را در توافق ذکر نکرده است . ما به دادگاه می گوییم این طرف نه به تعداتش ایجاد وقفه در تلاشهایش عمل کرده و نه مبالغی که قرار بود به ایران بدهد به تعهدش درست عمل نکرده .دادگاه سوال می کند که ایا شما سند دیگری دارید وزیر خارجه می گوید بله سند دیگری داریم وان را ارائه می دهد دادگاه سوال می کند این سند پیوست این است یا یک سند جدا میباشد ما می گوییم این سند پیوست سند اول است رئیس دادگاه می گوید اگر پیوست است چرا هیچ نوشته دال بر اینکه این سند پیوست است در داخل متن اصلی نیامده است وچون نیامده قابلیت استناد حقوقی ندارد. خب میگوییم اشکال ندارد باتوجه به سند اصلی اینها قرار بوده با تلاشهایشان وقفه بدهند اما نداده اند مسئول دادگاه می گوید چرا انجام داده است ما می گوییم کی می گوید همین الان یک لحظه اراده کرد که در تلاشهایش وقفه ایجاد کند وچون شما زمان مشخصی تعیین نکرده اید یک لحظه هم وقفه ایجاد کند به تعهدش عمل کرده است.یعنی اگر از لحاظ حقوقی هم مرجع قضایی تعیین می کرداند فایده ای به حال ما نداشت.

بحث بعدی راجع به بازگرداندن پولهای بلوکه شده ایران که قرار بود 4.2 میلیارد دلار به ایران باز گردد که در پیوست متن امده است.ما در گذشته به شش کشور نفت می فروختیم ولی پول آن را به ایران به خاطر تحریم ها نداد اند این کشورها شامل چین هند, تایوان,کره جنوبی,ژاپن وترکیه می باشده که الان هم تعهد کرده ایم که فقط به این شش کشور نفت بفروشیم. مجموعا 100 میلیارد دلاراز این کشوره پول طلب داریم واز این پول قرار است که 4.2 میلیارد دلار به ایران باز گردانده شود.امریکاییها قبلا گفته بوداند در شش قسط به ایران پس بدهند بعد از مذاکره قرار شد در هشت قسط به ایران بدهند.

یک مروری درباره ی گذشته داشته باشیم .ما در گذشته وقتی پول از این کشورها طلب داشتیم به ما اجازه داده بوداند ما از این کشورها خرید بکنیم.قبل توافق نقل وانتقال مابه صورت چمدانی بود از طریق بانک نمی توانستیم پول را حواله کنیم وبه حساب بانک در ایران بریزیم وپول ایران را مثلا در یک حساب در بانکهای ژاپن یا هند می ریخت اند وما یک شرکت در انجا ایجاد می کردیم که از طریق آن شرکت هم جنس میخریدیم وان را از طریق چند شرکت به ایران می فرستاد یم ویا از طریق چمدانی پولها را به ایران می اوردیم وگاهی نیز یک هواپیمای اختصاصی می گرفتیم وپول را از این طریق جابجا می کردیم .

اما حالا که توافق کردیم بسیاری از حقوق خود را در انرژی هسته ای از غنی سازی ,بازفراوری وراکتور اب سنگین اراک را تعطیل کنیم ودر ازای ان4.2 میلیارد دلار از طلب هایمان را دریافت کنیم در این شرایط اینها توافق کرده اند که پول رااز یک حساب در هند به یک حساب در سوئیس بریزند ودر این حالت مادسترسی که به پولمان در بانک هندی داشتیم را نداریم وبانک سوئیسی اجازه نمی دهد ما پول را به ایران بیاوریم ودوباره باید مثل قبل به صورت چمدانی پول را به ایران بیاوریم در حالی که شرایط سوئیس سختراست و فقط اجازه می دهد ماهیانه ده میلیون دلار پول برداشت کنیم. وبه این روش چهارصد ماه طول می کشد که پول خود را برداریم با این اوصاف ما قرار بود به تحریم ها ترک بزنیم ولی شرایط خود را سختتر هم کردیم .تازه یک تعهد دیگری نیز داده اند وقرار شده این4.2 میلیارد دلار فقط برای خرید کالاهای ضروری و دارو میتوانیم استفاده کنیم.می گوییم اصلا قبلا تحریم ها شامل دارو وکالاهای ضروری نمی شد که حالا آنها اجازه داده اند که مافقط می توانیم با پولمان دارو بخریم در حالی که قرار بود ما با این پول ازاد شده دردهایمان را دوا کنیم شما رفته اید چیزی راکه قبلا هم مجاز بودیم مثل خرید دارو توافق کرده اید.

پس ثمره ی عملی مذاکرات چه شد این شد که پول ما در بانکهای سوئیس بلوکه شد.بعد از مدتی که دید اند این خیلی بد است گفتند پول را ازبانک سوئیس به بانکی در امارات بریزید امارات هم گفت من هم نمی توانم چون امریکاییها روی این حساب نظارت می کنند بعد از چهار قسط رفتند وحسابی در عمان باز کرداند عمان نیز گفت ما

اگر بخواهیم این کار را بکنیم اولا باید ده درصد از پول را به ما بدهید وثانیا وقتی پول رابه صرافی ها می بری درصدی هم آنها می گیراند تا پول دست شما را بگیرد در نتیجه پولی که درهند وچین در اختیار ما بود وهر کاری می توانستیم انجام دهیم حالا باید بخش زیادی از آن را بدهیم تا مقداری از آن را در اختیار بگیریم.

آقای احمد توکلی در مجلس به رئیس جمهور اعلام کرد که شما مارا تحقیر کرده اید .

حالا این پولی که قرار بود در هشت قسط به ایران داده شود به صورت ماهیانه در دادن این پول نیز تاخیر می کرداندوهند دو ماه بعد زمان مقرر پول رابه حساب ایران ریخت.چون وقتی پول در بانک بماند سود دارد حالا ما این تاخیر در پرداخت پول را به چه کسی بگوییم مرجعی وجود ندارد که ما اعتراض خود را به انجا بگوییم.

بعد از اینکه زمان گام اول به پایان رسید باید آن را تمدید می کرداند می توانستند در تمدید آن تغییراتی بدهند ویا اصلا تغییر ندهند اما اینها رفتند وتعهدات جدیدی را نیز به تعهدات قبلی خود اضافه کرداند که شامل سه تعهد است .یک آن سوخت بیست در صدی راکه اکسید کردید را تبدیل به میله ی سوخت کنید که بعدا نتوانید آن را دوباره بازیابی کنید با اینکه ما قبلا تعهد کرده بودیم خط تبدیل مجدد راه اندازی نکنیم.2.تعهد کرداندکه چهار تن اورانیوم دو درصد را نیز طبیعی کنند یعنی غنای آن را کم کنیم واین یعنی ما با کلی سرمایه وهزینه اورانیوم را غنی کنیم آنها بگویند که باید آن را از بین ببری و بدون اینکه هیچ امتیازی بدهند.3.سومین تعهدی که دادیم این بود که ما فقط حق داریم در مورد سانتریفوژهای که قبلا کار می کرد ه اند والان خراب شده اند جایگزین ایجاد کنیم.

تیم ما توافق را تمدید کرد و چند تعهد جدید نیز داد اما برای مشکلاتی که در مورد پولها وجود داشت هیچ کاری نکرد اند وباز هم به همان منوال سابق کار ادامه پیدا می کند.پس ما سوال می کنیم سود این توافق در کجاست قرار بود در تحریم ها ترک ایجاد شود کار ما را سختر نیز کرد.

یک تعهد دیگر طرف مقابل به ماداده بود واین بود که قطعات هواپیما را صدور مجوز بکنند هم تامین قطعات وهم بازرسیها .اما تا امروز به هیچ یک از تعهداتش در این زمینه عمل نکرده است.امریکاییها (شرکت ژنرال الکتریک وشرکت بوئینگ )امده اند وگفته اند که ما حاضریم قطعات هواپیماهایی که قبل از 1979 به ایران فروخته ایم را تامین می کنیم یعنی آنها می خواهند قطعات موتورهایی که تاریخ مصرف آنها تمام شده است را باقیمت گزاف وانهم با این ادعا که این رابه خاطر رفع تحریم ها می خواهیم به شما بفروشیم به ایران بدهند.

تا به حال ندیده ایم که یکی از اعضای وزارت خارجه از آقای ظریف گرفته تا آقای عراقچی وخانم افخم هیچ کدام راجع به عدم انجام تعهدات توسط طرف مقابل اعتراضی نمی کنندپس چه لزومی دارد که مابه تعهدات خودمان عمل کنیم.راه حلی هم ندارد مابه کجا مراجعه کنیم مرجع قضایی هم پیش بینی نشده است وعلت هم به خاطر مشکلاتی است که درتوافقنامه نوشته وحالا ظهور وبروز کرده است.

همه ی این صحبتهایی راکه در اینجا گفته شد را حتی دقیقتر از این قبل از سوم اذر که توافق انجام شود همه اینها به صورت مکتوب واز طریق دبیر شورای عالی امنیت ملی آقای جلیلی به خود آقای ظریف وگفتیم آقای ظریف متنی را که امریکاییها به شماداده اند وشما می پذیرید این مشکلات را دارد وفردا شما دچا مشکل می شوید و علت اینکه ما این را به آقای ظریف دادیم چو ایشان هشت سال در جریان کار نبود و برای اینکه نسبت به کار روشن شود وفارغ از خط خطوط سیاسی خواستیم ایشان را کمک کنیم تا منافع جمهوری اسلامی ایران را حفظ کنیم.اما با همه ی این اوصاف متنی را که امریکاییها به اینها داده بودند را تمام کمال پذیرفتند وبا علم نیز آن راپذیرفتند. وفقط چهار چیز را تغییر داداند دوتای آن که هیچ تاثیری نداشت ودو تای دیگر آن نیز به ضرر ما بود.

در اینجا گفته عدم تحریم جدید توسط شورای امنیت وتوسط اتحادیه ی اروپاوهمچنین امریکا که البته دوشرط برای آن گذاشته اند عدم تحریم جدید در چارچوب قانونی رئیس جمهور وچارچوب قانونی کنگره باشد.در حقیقت تحریم های جدید هم می توانند بکنند.

خب سر همین توافق سوم اذر دولت امریکا پذیرفت که تحریم های جدید نباید بکند در عوض دولت امریکا چه کار کرد. وزارت خزانه داری امریکا در بیست و یک اذر 14 شرکت و4 فرد را به خاطر بحث هسته ای تحریم کرد در حالی که تعهد داده تحریم مرتبط با هسته ای نباید انجام دهد

امریکا چهار نوع تحریم دارد :تحریم حقوق بشر ,تحریم تروریسم ,تحریم سلاحهای کشتار جمعی وتحریم مرتبط با هسته ای ودر اینجا امریکا تعهد داده که تحریم مرتبط با هسته ای جدید انجام ندهدوبقیه ی تحریم ها سر جایش است. اما امریکا دقیقا 18 روز بعد از توافق در روز21 اذر تحریم مرتبط با هسته ای انجام داده است واین یعنی نقض توافق وکشور روسیه که عضو 5+1 است بعد این تحریم جدید امریکا علیه ایران گفت این کار امریکا غیر قابل قبول است ونقض توافق نامه های بین المللی است اما ایران در قبال این تحریم جدید امریکا چه گفت آقای ظریف در یک مصاحبه ی تلوزیونی گفت ما اگر بخواهیم واقع بین باشیم این تحریمها نقض توافق نیست و مطابق توافق است واین یعنی اینکه ما واقع بین نیستیم .حالا ببینیم چگونه این حرفشان را توجیه می کنند آقای ظریف در مصاحبه می گوید درست است که یک سری افراد وشرکتهای جدید در لیست تحریم قرار گرفته ولی خود تحریم جدید نیست ومربوط به قبل از توافق است .ازآقای ظریف سوال می کنیم ایا قبل از سوم اذرایا این افراد واین شرکت ها در لیست تحریم قرار داشتنند یا خیر جواب این است که خیر خب پس تحریم جدید است .پس اگر قرار بود که تحریم ها در راستای تحریمهای گذشته ادامه داشته باشد پس این توافق به چه دردی می خورد خب اصلا مااین حرف شما را می پذیریم و قبول می کنیم که هر تحریمی جدید نیست مشروط به اینکه مصوبه ی قبلی داشته باشد ولی به این شرط که فقط برای امریکاییها این را توجیه نکنی وبرای ما نیز این را بپذیری .خب همچین تعهدی برای ما نیز وجود در ودر متن امده که مکان جدید نه یعنی مکان جدید برای غنی سازی نساز خب شما گفتی جدید اگر مصوبه ی قبلی داشته باشد جدید حساب نمی شود خب ماهم در اینجا در زمان آقای احمدی نژاد داریم که ده سایت جدید غنی سازی بسازیم پس این هم جدید محسوب نمی شود پس شروع کنید بسازید باتوجه به تفسیری که راجع به امریکایها می کنید نسبت به خود ما هم بکن در جواب ما می گوید نساز چون این میشود جدید وفقط مال امریکاییها قدیم می شود

آقا یک سخنرانی با سفراو اعضای وزارت خارجه دارد که در این سخنرانی به آنها میگوید امداندگفت اند که برویم با خود امریکا به مذاکره بنشینیم و ما اگر یک باز نشست و برخاست بکنیم مشکل حل می شود آقا میگوید ما می دانستیم این جور نیست اما چون قبلا گفته بوداند این یک فرصت جدید است و ماقبلا به سه کشور اروپایی مذاکره کرده ایم ویک بار مستقیما با خود امریکا مذاکره نکرده ایم اجازه دادیم تاسطح وزارت خارجه بتوانند با امریکا مذاکره کنند وآقایان رفتند ومذاکره کرد اند .آقا گفتند این مذاکرات نه تنها نتیجه نداد بلکه بالعکس نتیجه داد و اوضاع بدتر شد هم برخوردهایشان توهین امیز تر شد و هم زیاده خواهی هایشان افزایش پیدا کردوحتی تحریمهای جدید نیز اعمال کرداند.البته آقایان می گویند که این تحریم ها جدید نیست ومربوط به قدیم است البته جدیدا می گویند این تحریم ها مخالف روح توافقنامه ی ژنو است ونمی گویند مخالف متن توافقنامه است ,مخالف روح توافقنامه است که حتی صادق زیبا کلام نیز گفته از کی تا حالا وزارت خارجه جن یابی گذاشته که روح ها راکشف می کند.حتی همی حالا هم نمی گویند که تحریم امریکا نقض توافق ژنو است چونکه امریکاییها در جلسه به طرف ایرانی گفته اند که ما این کار را انجام خواهیم داد وبه خاطر همین است که در بیان موضوع مشکل دارند

بیمه های کشتی رانی بنا بود که آنها کشتی رانی ایران را بیمه کنند چون کشتیهای ایران را قبلا بیمه نمی کرداند وما دچار مشکل بودیم .حالا مابر اساس مذاکرات به شرکت بیمه می گوییم کشتی های مارا بیمه کن .بیمه به ما می گوید قرار دادتان چند وقته است ما می گوییم شش ماهه است در جواب می گوید اما قرار دادهای ما یکساله است وما نمی توانیم شما را بیمه کنیم در نتیجه مارابیمه نکراند پس این چه تعهداتی است که ما از طرف مقابل گرفته ایم حالا شش ماهه که تمام شده رفته اند چهار ماه تمدید کرده اند بعد رفته اند سراغ بیمه گر میگویند بیمه کن او می گوید قرار داد ما یکساله است من شش ماه را قبول نکردم حالا چهارماهه من چطور بیمه کنم.پس طرف مذاکره ی ما تابه اینجا به هیچ یک از تعهداتش عمل نکرده است.

گام دوم :

در اینجا نوشته گام های اضافی در میان اقدامهای اولیه وگام نهایی از جمله در میان مواردی دیگر پرداختن به قطع نامه های شورای امنیت بانظر به اینکه ملاحظه های شورای امنیت در این موضوع به صورت رضایت بخش به نتیجه برسد این جمله این را می خواهد بگوید که ایران باید گامهای اضافی بردارد وبه قطعنامه های شورای امنیت بپردازد که قطعنامه ها هم به صورت رضایت بخش حل وفصل بشود.در حالی که ماقبلا می گفتیم ما قطع نامه های شورای امنیت را قبول نداریم چون غیر قانونی است امادر اینجا در گام دوم پذیرفتند که در گام دوم ما قطع نامه های شورای امنیت را حل و فصل کنیم انهم به صورت رضایت بخش یعنی هر کاری بکنی او بازهم می تواند بگوید رضایت بخش نشد .خب ما میگوییم اگر می خواستیم قطع نامه های شورای امنیت را بپذیریم که از اول قبول می کردیم وحالا این همه تعدات جدید نمی دادیم ودر اخر دوباره قطع نامه های شورای امنیت را عملی کنیم. قطعنامه ها چه چیزهایی ازما خواسته بوداند غنی سازی وراکتور اراک وبازفراوری را تعلیق کنیم که هرسه تای این ها را در این توافقنامه پذیرفتیم.درگام اول غنی سازی بیست در صد را از ماگرفتی وراکتوراب سنیگین اراک رانیز تعلیق کردی وهمچنین حق باز فراوری رانیز گرفتی ودر گام نهایی

حتی اوضاع از این هم بدتر است چون در متن امده گامهای اضافی نه گام اضافی میگوییم گام اضافی فقط غنی سازی پنج در صد است میگوید خیر موشک هم هست در قطع نامه ی 1929 گفته که شما برنامه موشکهای بالستیک قادر به حمل کلاهک هسته ای نباید داشته باشید چرا این حرف را میزند چون یک چک سفید امضا از ایران گرفته وایران قبول کرده است که باید گامهای اضافی برای حل وفصل اختلافات بردارد.

ما به آنها گفتیم این که شما قبول کردید شامل فعالیتهای موشکی نیز می شود اما مسئولین وزارت خارجه قبول نمی کرداند و حتی به نامه ای به آقا نوشتند وگفتند این گام دوم راهمین طوری نوشته ایم واجرا نمی شود .مگر مسخره بازی است مگر میشود در یک توافقنامه ی بین المللی جمله ای همین جوری نوشته شود واجرا نشود ودر مصاحبه ی تلوزیونی آقای روانچی می گوید ما این جمله را اینجا نوشتیم ولی بنا نیست اجرا شود. ولی وقتی طرف غربی در مورد موشک ها شروع به بحث کرد این ها در مصاحبه اعلام کرداندکه اینها خلاف تعهداتشان به گام دوم استناد کرداند وبحث موشکی را نیز در مذاکرات مطرح کرداند.

امریکا ییها یک سایتی دارندکه موشکهای ما را تجزیه وتحلیل می کنند مثلا این موشک ما مدل روسی است یا فلان موشک ما مدل کره شمالی است و... وده نوع موشک مارا بررسی کرده وگفته از این ده نوع موشک هشت نوع آن قابلیت حمل کلاهک هسته ای را دارد وفقط دو نوع آن این قابلیت را ندارد.با این وضعیت تمام موشکهای ما رامی گیرد.در اینجا می تواند از جمله ی یا همه چیز یا هیچ چیز استفاده کند و تا موشک های ما رانگیرد رضایت حاصل نمی شود.ویک بدی دیگر نیز گام دوم دارد که نه شروع دارد ونه پایان دارد این رابرای این نگذاشته اند که گام اول ودوم همزمان پیش رود چون اگر زمان داشت می توانستیم بگوییم خب الان گام اول تمام شد وما وارد گام دوم شدیم پس دیگر نیاز نیست به تعهداتمان در گام اول مثل عدم غنی بیست درصد عمل کنیم.

آقای رئیس جمهور گفته ما میرویم توافق کنیم تا تحریمها رابرداریم حالا آنها هم می گویند خب حالا همه ی این کارها را کردی شاید تحریم ها را تخفیف بدهیم .وباید تمام خطوط قرمزی که رهبر انقلاب مشخص کرده بوداند که یکی از آنها برنامه ی دفاعی وموشکی ایران بود راباید رد کنند بنا بود اگر در جلسات در باره ی موشک بحث شد انها را جلسه ترک کنند آنها نه تنها این کار را نکرده اند بلکه سراین مسائل نیز بحث می کنند.

در اینجا موضوع دو طرف دارد وبناست یک ناظر برای این انتخاب شود و اژانس انرژی اتمی مسئولیت راستی ازمایی اقدامات مربوط به هسته ای را بر عهده خواهد داشت واین یعنی اینکه اژانس فقط روی ایران نظارت می کند ونظارتی روی 5+1 نخواهد داشت چون اقدامات هسته ای فقط مربوط به ایران است نه 5+1 در حالی که اژانس حق این کار را ندارد زیرا این توافق خارج از چارچوب فعالیتهای اژانس است اما الان که ما اژانس را داخل این موضوع کرده ایم توافق بین المللی می شود ودر نتیجه ماحتی اگر با 5+1 به هم بزنیم چون یک طرف ما اژانس وشورای حکام است ما باید پاسخگوی آنها باشیم واگر به تعهدات خود عمل نکنیم شورای حکام پرونده ی ما رابه شورای امنیت می برد.قبلا هم همین موضوع برای ما پیش امده بود ما باسه کشور اروپایی توافق کرده بودیم آنها به تعهد خود عمل نکرداند و تاما رفتی تبدیل اورانیوم را از سر بگیریم این دفعه شورای حکام وارد عمل شد وپرونده ی ما رابه شورای امنیت سازمان ملل برد.چرا برد چون ما در مقابل سه کشور تعهد نداشتیم ولی در مقابل اژانس تعهد داشتیم الان هم باداخل کردن اژانس همین مشکل را برای ما پیش اورده اند.

جلسه ی سوم

خب اما در مقابل با کی توافق کردیم با اون سه تا کشور اروپایی بیست و پنج تاشون خودشون می کشن کنار. برا نظارت روی ما 25 تا کشور اضافه می شن ولی برای تعهد سپردن به ما 25 تا کشور تعهد نمی سپارن. این سوال را همون روز اول در آقای عراقچی که رفته بود مجلس توضیح بده آقای نبویان ازش سوال کرد که این یعنی چه چرا این دوتا با هم فرق می کنه. ما با کی توافق کردیم اگر گفتیم ای سه + سه کمیسیون مشترک هم اگر تشکیل می دهیم باید 5 +1 باشه. آقای عراقچی اولین بار بود تو عمرش اینا می دید گفت بدید ببینم گفت نه حتما یه اشتباهی شده دید که نه انگار همینطوره خب که فکراشا کرد گفت این اشتباه تایپیه یعنی هنوز که هنوزه بعد از سوم آذر نفهیمده اینجا چی توافق کردن. فکر کرده این اشتباه تایپیه. اونایی که اینا گذاشتن با حساب کتاب گذاشتن. و این دربست پذیرفتن همین می شه. نفهمیدن که چی قبول کردن. سه ماه بعد دو مرتبه ایشون امده بود در مجلس توضیح بده رفت کمیسیون امنیت ملی گفت آقای نبویان گفت اینجا اشتباه شده بود اشتباه تایپی ای یو اضافه شده. ای یو را باید اینجا تایپ می کردن. که اصلا هیچ کدوم از جا ها ای یو را نباید می نوشتید. چون توافق ما با پنج به اضافه یک است. نقش کاترین اشتون چی بود می گفتند نقش هماهنگ کننده و تسهیل کننده داره چون نمی شه با شش کشور حرف بزنی می خوای جلسه بگیری یک نفر از طرف شش تا کشور بیاد توضیح بدهکه مکان جلسه و زمان جلسه را هماهنگ کنه. نقش خاصی نداره. اینجا دارن کم کم بها می دن. ما را دارن طرف اتحادیه اروپا می کنن. خب اگر بنا بود با اتحادیه اروپا وارد مذاکره بشویم خب سه کشور دیگه برای چیست. سه کشور تافته جدا بافته اند برن کنار. حتب بعد از چهار ماه هم متوجه محتوا نشدن. این بیست و هشت کشور و سه کشور نظارت می کنن بر فعالیت های که ایران داره راجع به آو ا قدامات کوتاه مدت علاوه بر این آژانس هم مسئولیت داره بر اقدامات هسته ای ما نظارت کنه این کمیسیون مشترک همراه آژانس برای حل و فصل گذشته و حال مورد نگرانی همکاری خواهد کرد. ایران پذیرفته که فعالیت های حاضر ما جای نگرانی دارد. آژانس گزارشی که داده نگفته ما راجع به وضعیت حال نگرانیم. گفته یه سری مسئله هست راجع به گذشته نگرانی داریم بدونیم آنها چیه. احتمال داره کارهای صورت گرفته باشه. اینا رفتن پذیرفتن. قبلا ما می گفتیم آژانس باید کار حقوقی بکنه حق نداره کار سیاسی بکنه اینجا اومدن کمیسیون مشترک هم یعنی 28 +3 را کار آژانس وارد کردن. یعنی ما که داریم با آژانس کار می کنیم این 31 کشور هم مداخل کنن. یعنی کار که باید روال حقوقی داشته باشه تبدیل بشه به روال سیاسی. ما قبال بنا بود آژانس را راضی کنیم و مشکلمان حل و فصل بشه حالا باید 31 کشور دیگه را هم توجیه کنیم که قبول کنن. مشکل ما حل نشد که اضافه شد. ضمن این که آژانس را از کار حقوقیش خارج کردن و وارد کار سیاسی هم شده. همین گزارشی که مدیر کل هفته گذشته داد چون روابط ما در این گفتگوهای اخیر دچار مشکل شده آژانس هم صداش در اومد و او هم تند صحبت کرد و گفت ایران همکار نکرده اعتراضش را شروع کرد. چون ما خودمون خواستیم که سیاسی برخورد کنه و او هم شروع کرد.

تعهداتی که امریکا بنا بود انجام بدهد و نداده

راجع به صادرات پتروشیمی و طلا و فلزات و گرانبها. ما اصلا در این دو مسئله مشکلی نداشتیم. اینجا گفتن ما تعلیق می کنیم تحریمها را . یعنی لغو نمی کنیم. در قبال تعهداتی که ایران پذیرفته آنها صادرات طلا و فلزات گرانبها و پتروشیمی را تعلیق می کنن. راجع به نقل و انتقال پول آنها هیچ صحبتی نشده یعنی تحریم انتقال پول کما کان سر جایش باقی است فقط می توانیم بفروشیم. خب این چه فایده ای داره که جنس را بفروشم ولی نتوانم پولش را دریافت کنم. ضمن این که ما در صادرات پتروشیمی و طلا و فلزات گرانبها مشکلی نداشتیم. چرا؟ چون طلا را که می خواستیم جابجا کنیم نیازی به اجازه آنها نبود طلا را می گذاشتیم داخل یک کیف و حمل و نقل می کردیم. پول که حجمش زیاده ولی این که حجمش زیاد نیست. یا اگر یادتون باشه همین اواخر گفتن در ترکیه هواپیمایی را نشاندن که فقط پر از طلا بود. بعد دو مرتبه هواپیما رشوه داد بلند شد رفت به مقصد. بنابراین نقل و انتقال طلا و فلزات گرانبها مشکل حادی نداشتیم. پیشنهادی که اینها در سال 91 دهده بودن به آنها گفته بودیم ما درپتروشیمی و طلا مشکلی نداریم. شما نباید برای ما تعیین کنید چه چیزی را تعلیق می کنید. شما نیازهایتان را به ما گفته اید 20 درصد راکتور اراک باز فرآوری حالا ما باید بگوییم نیازهایمان چیست. اگر بناست تحریمی لغو بشود نیازهای ما در بانک و نفت است. بقیه بدرد ما نمی خورد. مشکلی نداریم در آنها یعنی اولویت ما نیست. همین حالا در پتروشمی ما مشکلی نداریم چون بازارد ما در آسیاست و نیازی به کشورهای اروپایی نداریم. ضمن این که اینجا گفته اتحادیه اروپا تحریم نی کنه نمی گه کشورهای اروپایی تحریم نمی کنن. متوجه شدن نمی گه نه انفرادی نه جمعی. یعنی طبق این متن انگلیس و فرانسه و آلمان مجازن ما را تحریم کنن. تحریم جدید. چون تعهد سپردن در قابل اتحادیه تحریم جدید نکنن. تک تک 27 کشور مجازن ما را تحریم کنن. از2010 روسیه و چین اجازه نمی دادن قطعنامه ای علیه ما صادر بشه. یعنی چه اینجا می نوشت که شورای امنیت تحریم می کنه یا نه اهمیتی نداشت. ضمن این که ما یک کار بدتری هم کردیم. چون روسیه و چین را تحریم های یک جانبه مخالف بودن ما اینجا اونا را وادار کردیم تحریم های یک جانبه را تایید کنن. چطوری؟ روسیه و چین می گفتن وقتی شما می نویسید تحریم های دولت اروپا یا امریکا وقتی من این را امضا می کنم یعنی این که من هم موافقم من اصلا تحریم های یک جانبه را قبول ندارم موقعی که شما می گویید فقط به مشتریان فعلی من این را دارم می پذیرم حالا شما دارید من روسیه و چین را وادار می کنید که به نفع امریکا و اتحادیه اروپا امضا کنم. یعنی روسیه و چین که با تحریمهای یک جانبه مخالف بودن حالا شدن موافق چون این تعهد را امضا کردند. حالا اینجا فقط اتحادیه بناست ما را تحریم نکنه.

نکته بعدی در صادرات پتروشیمی ما همین حالا بازار مصرفمون سر جاشه و به همون نحو که پولمونا قبلا جابجا می کردیم همین حالا هم می کنیم. یعنی این هیچ تاثیری به حال ما نداشته. پس ثمره عملی این توافق چی شده؟ حالا مجبوریم از آن پول کالاهای اساسی را خریداری کنیم. آن هم به این صورت که ما باید چند تا شرکت به طرف امریکایی معرفی کنیم و امریکا یک شرکت را انتخاب کند و بگوید با این می توانید معامله کنید و این هم یه شرکت امریکاییه یعنی ما انحصار را هم داریم برای اونا می پذیریم. دیگه نمی تونیم از هر کسی خواستیم خرید کنیم. می گه فقط از این که من تعیین می کنم می تونی خرید کنی.

می گه یک کانال مالی که برای تجارت بشر دوستانه است ایجاد می کنیم با استفاده از همین پولها. یعنی همین 4.2 میلیارد دلار. تجارت بشر دوستانه اصلا در قانون امریکا تحریم نیست. خود جان کری هم در کنگره صحبت کرد و گفت اینها تحریم نیست. در ادامه نوشته ما باید پولمون را برداریم بدیم سازمان ملل رفتیم زور می زنیم پولمون آزاد می شه بعد بریم حق عضویتمون در سازمان ملل را بپردازیم مگر عقلمونا از دست دادیم. اینجا آمده برای ما تعهد ایجاد کرده که پولی را که برامون آزاد م می کنه ببریم پول سازمان ملل را بدیم. که دو مرتبه برامون قطعنامه صادر کنن!

گام نهایی

بنا بود دو تا کار صورت بگیرد یکی حقوق مان را بدست بیاریم و دیگر تحریم ها برداشته بشه. حقوق ما چی شد؟ اون سه تای اصلی را که از دست دادیم. اومدیم سر تحریم ها در گام اول اونا به تعهداتشون عمل نکردن. چون عمل نکردن و بلکه به خلافش عمل کردن و تحریم جدید اعمال کردن 55 مورد تحریم جدید علیه ما اقدام کرده فقط مرتبط با هسته ای. به طور جامع همه تحریم ها را برمی دارم اما فقط مرتبط با هسته ای را. و تحریمهای حقوق بشر و تروریسم، سلاحهای کشتار جمعی سر جای خود باقی می ماند. خب سلاحهای کشتار جمعی چیه؟ شیمیایی میکروبی و هسته ای. خب مگر بنا نیست تحریمهای مرتبط با هسته ای به طور جامع برداشته شود؟ خب سلاحهای کشتار جمعی یکیش هم هسته ای است. می گوید اسم آن مرتبط با هسته ای نیست تحریم سلاح کشتار جمعی استو شامل آن نمی شود ولو یکی از آن هم هسته ای باشد. خب همه تحریم های مرتبط با هسته ای برداشته می شود؟ نه. چون برخی از قوانینی که صادر شده این قوانین به چند عنوان است مثلا قانون سی صادا که مصوب 2010 که بخشی از تحریمهای نفتی و بانکی ما مربوط به این قانون است به چهار دلیل این قانون صادر شده است به دلیل نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، اشاعه سلاحهای کشتار جمعی و مرتبط با هسته ای تحریم می کنم. بنابراین این تحریم اگرچه مربوط به هسته ای است ولی سه عنوان دیگر دارد نمی شود فقط به خاطر هسته ای آن را لغو کرد. پس این قانون سرجایش می ماند.

یکی از مشکلات اساسی ما همین است که یک جمله ی کلی در اینجا پذیرفتن که معلوم نیست چیست.

به تیم مذاکره کننده می گوییم آقا چرا شما رفته اید این ها رابه صورت کلی نوشته اید وپذیرفته اید قبل از نوشتن توافق امریکا نیاز به توافق داشت اما حالا نیازی ندارد چون هر چه می خواسته بدست اورده این ماییم که ضرر کرده ایم وبه خواسته هایمان نرسیده ایم یک نکته مهم مرتبط با این موضوع زمانی توافق نامه امضا شد نماینده ی امریکارا در کنگره خواستند واز او سوال کرداند که چی شد که ایران سرمیز مذاکره امد نماینده ی امریکا جواب داد ابزار ما که تحریم علیه ایران بود جواب داد ایران مجبور شد که سر میز مذاکره بیاید.گفتند که مگر نمی گویید که تحریم ها سبب شد که ایران بیاید سر میز پس چرا شما قبول کردید که سر میز بروید آن قدر ایران را تحریم می کردید که مجبور شود همه ی تقاضا های شما را اجرا کند.نماینده ی امریکا در جواب میگوید درست است که ایران تحت فشار بود اماشما طرف دیگر قضیه رانمی دانید ایران نیز چند ابزار فشار داشت که ما مجبور شدیم سر میز مذاکره برویم که جلوی ایران را بگیریم کنگره سوال می کند که ایران چه ابزار ی در دست داشت نماینده ی امریکا در جواب می گوید اول ایران به غنی سازی بیست درصد دست پیدا کرده بود ومدام داشت بر مواد غنی شده ی خودش اضافه می کرد وانها مدعی بوداند که اگر مواد غنی شده ی بیست درصد ایران به پانصد کیلو برسد می تواند یک بمب پنج کیلویی تولید کند به این صورت که وقتی 164 دستگاه سانتریفوژکنار هم می گذاری در دستگاه اول که اورانیوم طبیعی تزریق می کنی خروجی شما سه تا پنج درصد می باشد دوباره همین مواد را به ابشار تزریق می کنی خروجی شما بیست در صد می شود واین به گونه ای است که شما از هر ده کیلو مواد تزریقی یک دهم آن خروجی دریافت میکنی یعنی اگر ده کیلو پنج درصد تزریق کنی یک کیلو گرم بیست درصد دریافت می کنی .همچنین اگر بیست درصد را به دستگاه تزریق کنی در خروجی اورانیوم شصت در صد دریافت می کنی. واگر شصت درصد تزریق کنی نود در صد دریافت می کنی که میتوانی بااستفاده از این اورانیوم نود درصد بمب تولید کنی. وبراساس این رابطه نماینده امریکا میگفت ایران اکنون 418 کیلو گرم اورانیوم بیست در صد دارد وهرروز نیز دارد تولید می کند اگر ایران به پانصد کیلو اورانیوم بیست درصد دست پیداکند می تواند پنج کیلو اورانیوم نود درصد تولید کند که با آن می تواند بمب تولید کند ودیگر ابزار فشار ایران که سبب شد امریکا سر میز مذکره بنشیند این بود که ایران به طور مرتب داشت پیشرفت می کرد هم در اراک همدر فردو وهم در نطنزوایران قرار بود در سال 2014 ابسنگین اراک را راه اندازی کند واگر راه اندازی می کرد ما دیگر نمی توانستیم جلوی آنها رابگیریم ودر نطنز ده هزار سانتریفوژ جدید گذاشته بود ومی خواست عملیات تزریق مواد را انجام بدهد وسانتریفوژهای خود را ارتقا می داد سانتریفوژ نسل یک 1.2 سو می باشد اما سانتریفوژ ir 2 mکه نسل جدیدتر سانتریفوژ است اگر بکار می گرفت می توانست بجای 60 هزار سانتریفوژ 15 هزار استفاده کند که همان کار را می کند.حتی ایران روی نسل های بسیار پیشرفته تر نیز تحقیق می کرد که اگر به آنها دست پیدا می کرد باتعداد دستگاه اندک می توانست غنی سازی خود را انجام دهد.ما به خاطر همین دو ابزارفشار یکی پیشرفت و دیگری مواد بیست درصدی که در اختیار داشتند قبول کردیم مذاکره کنیم .اما ماسر میز رفتیم اما سر میز خواسته ی شما راعملی کردیم ماسر میز اول ابزار فشار ایران را گرفتیم در گام اول گفتیم یک بیشتر از پنج درصد غنی سازی ممنوع یعنی جلوی بیست درصد را گرفتیم وان موادی راکه تولید کرده بود را گفتیم نصفش را اکسید کن ونصف دیگر را تبدیل به پنج درصد کن دوما جلوی پیشرفتشان را هم در نطنز وهم در فردو و هم در اراک گرفتیم وابزارهای فشار ایران را به طور کامل گرفتیم ودر مقابل ایران که قرار بود تحریمها را ازمابگیرد ماتحریم ها را ندادیم وگفتیم تحریم هارا سه قسمت می کنیم و نود وپنج درصد تحریم ها را برای گام نهایی می گذاریم پنج درصد آن را می گذاریم برای گام دوم وپنج درصد آن راهم می گذاریم برا ی گام اول به این صورت که در گام اول اصلا تحریمی را لغو نمی کنیم بلکه تعلیق می کنیم وپنج درصدی راکه اینجا تعلیق کردم در گام دوم ازش میگیرم واین پنج درصد را با قطعنامه ی شورای امنیت علیه سیستم موشکی ایران می خواهد بگیرد ومابقی را در گام نهایی ازش میگیرم چطور به این صورت که اگرسر همه چیز به توافق نرسیم سر هیچ چیز به توافق نرسیده ایم دراینجا هر چه ما می خواهیم باید قبول کند و اگر قبول نکند نود پنج در صد تحریم ها سر جایش باقی است واینجا انقدر ایران را نگه می داریم که هر انچه ما میخواهیم را اجرا کند وچون ایران دیگر ابزار فشاری ندارد که بخواهد علیه ما بکار بگیردوما با خیال راحت تری به تحریمهای خود ادامه می دهیم.

پس این توافق بین الطرفینی به چه درد ما می خورد مابه همه ی خواسته های آنها عمل کردیم موادی که چند سال طول کشیده بود تا تولید کنیم را از بین بردیم ولی هیچ چیزی عاید ما نشد. ما باید حداقل این همه امتیاز که به غرب دادیم متن را طوری تنظیم می کردیم که سر بزنگاهها دچار مشکل بشویم ومی توانسیم طرف غربی را مجبور کنیم به تعهداتش عمل کند ما اگر همه یاهیچ را نگفته بودیم حد اقل میتوانستیم این رابگوییم آقا ماچند مورد از توافق را اجرا کرده ام شما هم باید به همان میزا ن به تعهدات خود عمل کنید ولی امریکاییها زرنگی کرداند واین قانون همه یا هیچ را گذاشتند وحالا می گویند آن نود پنج درصد می ماند تا شما به همه ی تعهدات خود به طور رضایت بخش عمل کنید.

تحریمهای امریکا علیه ایران از دو جانب می باشد یا از طرف رئیس جمهور امریکاست ویا از طرف کنگره که این تحریم ها به خاطر چهار موضوع است تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی وحقوق بشر وعدم اشاعه ی سلاحهای هسته ای.از هجده عنوان تحریمی که از طرف رئیس جمهور امریکا علیه ایران صورت گرفته فقط دو عنوان مربوط به عدم اشاعه است ودرمورد تحریمهایی که از طرف کنگره علیه ایران صورت گرفته نیز سه عنوان آن به طور کامل مربوط به عدم اشاعه است ودربقیه موارد عدم اشاعه در کنار سایرعناوین تحریم می باشد.حالا قرار بود امریکا تحریمهایش رابه طور جامع بردارد اما امریکا تحریمها رابه طور جامع بر نمیدارد.ما به امریکا می گوییم اصلا ما از حق هسته ای خود گذشتیم پس چرا تحریم ها را علیه ایران لغو نمی کنید امریکا در جواب می گوید هیچ موقع تحریم ها به طور جامع علیه شمابرداشته نمیشود وما فقط می توانیم موردی تحریم ها راعلیه شما برداریم وان هم مدت دار مثلا شش ماه واگر هم قرار باشد تحریم ها بر داشته شود آن در مرحله ی نهایی ودر اواخر بیست سال است و مربوط به حالا نمی باشد پس بیخودی چانه نزن چانه زدن مربوط به قبل سوم اذر وتوافق بود الان وقت چانه زنی نیست.وتازه برداشتن تحریمها در انزمان نیز مشروط به دو شرط است یک موضوع موشکی حل شده باشد ودو اژانس بیا ید یک گزارشی بدهد که در آن بگوید موضوعات مربوط به حال وگذشته رفع شده است.وهمچنین شما پروتکل الحاقی رانیز تصویب کرده باشید واژانس بگوید که هیچ گونه موارد اظهار نشده توسط ایران وجود نداردواژانس برای اینکه در مورد ژاپن چنین جمله ای را بگوید سی سال طول کشیدحالا تصور کنید راجع به ایران چند سال طول می کشد تا چنین جمله ای را بگوید.

در مورد تحریم های شورای امنیت نیز فقط آن تحریم هایی که مختص هسته ای است را آن هم نه یکجا بلکه به صورت موردی وان هم مدت دار بر می داریم وتحریمهایی که مربوط به سایر چیزهاست سر جایش باقی می ماند.

اژانس اعلام کرده که من راجع به فعالیتهای گذشته ی شما چهار چیز را می خواهم 1.بازرسی از پارچین که مرکز فعالیتهای موشکی ایران است و می خواهند ببینند در فعالیتهای موشکی در چه مرحله ای هستیم که این جزء خط قرمز های ما میباشد وامکان نداردبتوانند از انجا بازدید کنند.قبلا می خواستند که مارا جزء ایکاک که مانند آن پی تی است اما در مورد موشک است بکنند اما نتوانستند سر ماشیره بمالند .وچون عضو آن نیستیم مجازیم هر فعالیت متعارف موشکی انجام دهیم . اژانس گفته من چهارچیز را می خواهم پرسنل ,اسناد واطلاعات,تجهیزات وسایتها را می خواهم این فراتر از حتی پروتکل الحاقی است ونمی توانند بدون دلیل ومدرک از این مکانهای نظامی بازدید کنند. اینها حتی به بازید از پارچین نیز رضایت ندارند ومی گویند حتی باید از سایتهای شما نیز باید بازدید انجام دهیم.

باتوجه به این اوصاف چون مااجازه نمی دهیم که اژانس از تجهیزات ومکانهای نظامی مابازید کند واز افراد وپرسنل نظامی بازجویی کند در نتیجه هیچ موقع گزارش ما کامل نمی شود در نتیجه تحریم هیچ موقع برداشته نمی شود.

دراینجا دولت امریکا گفته من راجع به کنگره نمی توانم به شما تعهد بدهم من فقط می توانم تلاش کنم کنگره را راضی کنم وبعد می گوید من تلاشم را انجام دادم ولی کنگره موافقت نکرد.وفقط میتوانم دستورات رئیس جمهور را به شما تعهد بدهم آن هم به صورت موردی وزمان دار.به امریکا می گوییم می توانی به ماتعهد بدهی که این تحریم هایی را که به خاطر هسته ای برمیداری بعدا به عناوین دیگر دوباره وضع نکنی در جواب می گویند معلوم نیست.

ما در آن پی تی داشتیم اگر منافعتان به خطر افتاد می توانید خارج شوید اما در این توافقنامه چنین چیزی وجود ندارد.

تازه امریکا می گوید من راجع به تحریمهای اولیه اصلا کاری نمی توانم بکنم یعنی تحریم هایی که مربوط به سرزمین خود ماست هیچ کاری برایتان نمیتوانم بکنم شما نه می توانی به ما کالایی بفروشی ونه از کشور ماچیزی به شما فروخته می شود من فقط میتوانم راجع به تحریم های ثانویه که مربوط به تحریم هایی است که ما از سایر کشورها خواسته ایم شما راتحریم کنند می توانم به شما تخفیف بدهم.

خب با این اوضاع واحوال مابی چکار کنیم ؟ اینکه این دولت ما خیانت کرده ویا اینکه از روی جهالت این کار را انجام داده در اینجا برای ما اهمیتی ندارد واین را هرکسی باید خودش درک کند که اینها چه کرده اند مادر این جا متن را خواندیم ومشاهده کردیم که چه ضربه ای به جمهوری اسلامی وارد شده است .

مردم دو گونه اند یا خواص اند ویا عوام اند ما که در اینجا نشسته ایم جزءخواص محسوب می شویم وباید با عوام فرق داشته باشیم واین گروه خواص هستند که همیشه مرد م عادی را جهت می دهند وانها را یا به اسفل السافلین می برند و یا به اعلا علیین هدایت می کنند مثلا اگر تاریخ اسلام رامرور کنیم میبینیم که خواص در دوره ای مثل سال 61 با عدم تشخیص صحیح حادثه ی عاشورا را ایجا د کرداند چرا چون گرفتار مال دنیا شده اند وثمره ی آن می شود شهادت امام حسین علیه السلام

وظیفه ی ما الان این است که اول ماخودمان دقیق توجیه شویم واز شعار زدگی خارج شویم .ما ابتدا باید نسبت به متن توافقنامه اگاهی کامل داشته باشیم بعد باید خطوط قرمزی را که رهبر انقلاب مشخص نموده اند را کاملا بشناسیم برای نمونه سخنان رهبر انقلاب اسلامی در 12 ابان 92 در دیدار بابسیجیان چند روز قبل از پذیرش توافقنامه ببیینیم چه گفته اند یک دهه ی قبل در مذاکره با اروپاییها بانوعی عقب نشینی تعلیقی را که درواقع تحمیل شده بود را پذیرفتیم اما بعد از دو سال تعلیق وتعطیلی بسیاری از کارها همه فهمیدیم حتی با اینگونه کارها مطلقا امیدی به همکاری باطرفهای غربی وجود نخواهد داشت. رهبری در این سخنان می خواهد نشان دهد که طرف غربی اصلا قابل اعتماد نیست و ماهرکاری از تعلیق گرفته تا تعطیل بسیاری از کارها انجام دادیم اما آنها روی خوش نشا ن نداداند.

واین راباید همه بفهمند چون یکبار ما این کار را انجام داده ایم ونتیجه ای نگرفته ایم .اما اگر این کار را نمی کردیم عده ای مدعی میشداند که اگر یکبار ما امتحان می کردیم اوضاع این طور نمی شد اما با این کار همه فهمید اند طرف غربی قابل اعتماد نیست. وبعد از این بود که ما کار وپیشرفت را مجددا شروع کردیم رهبری در ادامه می گوید به مذاکرات جاری خوش بین نیستم چون معلوم نیست نتایجی را که ملت انتظار دارند به همراه داشته باشد اما معتقدیم که تجربه ی این مذاکره اشکال ندارد به شرط اینکه مردم بیدار باشند ودر حقیقت رهبر می خواهد مردم بیدار باشند وببینندکه چه اتفاقی می افتد .رهبری می گوید باذن الله از این مذاکرات ضرری نمی کنیم . خب این ضرر نمی کنیم یعنی چه بعد می گوید مرد م یک تجربه ای در اختیار ملت قرار می گیرد که ظرفیت فکری وتحلیلی مردم بالا می رود .این بالا رفتن ظرفیت فکری مرد چه چیزی به همراه دارد 1.مطلقا به طرف غربی امید به همکاری وجود ندارد2.فقط تکیه به درون داشته باشیم وتکیه به درون راه حل واقعی حل مشکلات است.

مسئولین برای حل مشکلات کشور باید به ظرفیتهای درونی طبیعی وانسانی وجغرافیایی ایران تکیه کن. دیپلماسی تحرکات سیاسی نیز در کنار توجه به ظرفیتهای درونی به حل مشکلات کشور کمک می کن.وتمام حرف آقا این است که به درون تکیه کنیم وراه حل آن اقتصاد مقاومتی می باشد.

زمان بوش پسر کاندولیزا رایس وزیر خارجه امریکا گفت من اصلا با مقامات ایران دست نمی دهم مگراینکه تعلیق کنند یعنی اصلا تاتعلیق نکنند سر میز مذاکره نمی نشینم وحتی دستور داد که بنزین ایرا ن را هم تحریم می کنند .اما ایران از ترس مرگ دست به خود کشی نزد وتدبیر کرد وتدبیر به این صورت بود که ما در جلسه ی شورای عالی امنیت ملی وضعیت بنزین را بررسی کردیم ببینیم چگونه است دیدیم وضع خراب است و مابنزین به صورت روزانه واردات داشتیم و مکان ذخیره سازی هم نداشتیم وبنزین را همان زمان که کشتی در بندر پهلو می گرفت بنزین را در تانکرها می ریختیم وبه پمپ بنزین ها می فرستادیم وماحتی یک روز هم نمی توانستیم ذخیره سازی کنیم وکافی بود یک روز تحریم می شدیم کافی بود که کشتیها به بنادرما نیایند و همین سبب می شد به پمپ بنزین ها بنزین نرسد وبعد از آن مردم شروع به اعتراض می کرداند ومملکت می خوابید.ما دو کار انجام دادیم یک ظرفیت تخصصی تولید خودمان رابالا بردیم ودوم اینکه یک طرحی ریختیم افزایش لجام گسیخته مصرف بنزین راکه روز به روز به آن اضافه می شد را گرفتیم که اگرا ین کار صورت نمی گرفت مصرف بنزین تا مرز 140میلیون لیتر در روز پیش می رفت ولی با طرح سهمیه بندی سوخت وتوزیع کارتهای سوخت مدیریت مصرف سوخت را مدیریت کردیم .واین بود که عدو شد سبب خیر .مدیریت مصرف سوخت که روزی یکی از مشکلات اساسی ما بود با فشارامریکا به سرانجام رسید ماهم توانستیم بنزین مصرفی خود را تا حد زیادی در داخل کشور تولید کنیم وهم میزان مصرف را در حد 60 میلیون لیتر در روز کنترل کنیم.ما حتی توانستیم تا مرز صادرات نیز پیش برویم و همین باعث شد که رایس از حرف خودش پشیمان شود چون ما از لحاظ فنی در انرژی هسته ای رشد کردیم و هم در بنزین خود کفا شدیم وامریکا مجبور شد که ویلیام برنز را به نمایندگی خود در جلسات مذاکره بفرستد.

جلسه ی چهارم :

رهبری تلاش می کند حالا که دوباره یک جریان شکل گرفته که راه حل مشکلات را باز هم در خارج از کشور ودر رابطه ی باغرب می بینیند وتمام هم وغم آنها ایجاد رابطه باغرب است و کاری بااقتصاد مقاومتی ندارند وفقط به فکر رابطه ی با امریکا هستند.با استفاده از بیداری در مردم این فکر را ریشه کن کند.آقا در شرایط فعلی دو هدف دارد از اینکه به اینها اجازه داده تا با امریکا سرمیز مذاکره بنشینند یک اول اینکه هم به این گروه فکری وهم به همه ی مردم نشان دهدکه از رابطه ی باغرب چیزی نصیب ایران نمیشود جز بد بختی وعقب ماندگی وهدف دوم آقا این است که می خواهد زبان اینها راببندد که بعدا نگویند ما می خواستیم با مذاکره با امریکا وغرب مشکلات اقتصادی کشور ومردم را حل کنیم اما رهبری اجازه نداد که این مذاکره شکل بگیرد. اگر رهبری اجازه می داد وما می توانستیم باغرب وامریکا مذاکره کنیم می توانستیم تحریمها رابرداریم اخیرا نیزیکی ازسرداران نیز همین را گفته بود که با مذاکره با امریکا مشکل ماحل خواهد شد اما نمیذارن یعنی رهبری اجازه نمی دهد.

آقا در دیدار با مجموعه ی وزارت خارجه می گوید ارتباط با جهان دو استثناء دارد یکی رژیم صهیونیستی ویکی امریکا ومیگوید رابطه باامریکا نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه دربعضی موارد ضرر هم دارد اما عده ای این طور وانمود می کرداند که اگربا امریکاییها دور یک میز بنشینیم بسیاری از مشکلات ما حل می شود البته ما می دانستیم این جور نیست.

در گذشته میان مسئولین ما وامریکا هیچ ارتباطی نبود اما در یک سال اخیر به خاطر مسائل هسته ای وتجربه ای که مطرح شد انجام بشود قرار شد مسئولین تاسطح وزارت خارجه با آنها مذاکره داشته باشند.وازاین مذاکرات نه تنها فایده ای عاید نشد بلکه لحن امریکاییها تند تر واهانت امیز تر شد وتوقعات طلب کارانه تری را در جلسات مذاکرات وهم در تریبونهای عمومی اعلان کرداند. در نهایت معلوم شد که برخلاف تصورات برخی ها مذاکرات به هیچ چیزی کمک نکرد. باتوجه به صحبتهای آقا ونیز شواهد بسیار زیادی که هر روز آنها را می بینیم معلوم شد که این رابطه ی باامریکا فقط برای ایران ضرر داشت. امریکاییها نه تنها دشمنی را کم نکرداند بلکه تحریم ها را نیز افزایش داداند وهیچ ترکی در تحریم ها ایجاد نشد.البته می گویند این تحریم ها جدید نیست البته جدید هست.ضمنا مذاکره در زمینه ی تحریم ها نیز هیچ تاثیری نداشت. اما این نشست برخاست یکه تجربه ی ذی قیمت بود که همه بفهمند که نشست برخاست با امریکا مطلقا فایده ای ندارد.رهبری در حال حاضر دست حمایت خود را بر سر دولت دارد وما هم باید از نمایندگان ایران حمایت کنیم .آقا در سخنرانی 29 ابان می گوید که من از همشه از مسئولین حمایت می کنم چه مسئولین داخلی وچه مسئولین خارجی و این حمایت من از دولت ها یک وظیفه است که قطعی می باشداماازانها می خواهم باید از حقوق ملت ایران یک قدم عقب نشینی نشود بویژه در حقوق هسته ای البته من در جزئیات مذاکرات دخالت نمی کنم.

اینکه آقا از دولتها حمایت می کند ربطی به این ندارد که آنها هم بروند عقب نشینی کنند ماکه نمی توانیم از آقای ظریف حمایت نکنیم اینکه معنا ندارد چون نمایند ه ی جمهوری اسلامی ایران است اما از او می خواهیم که به وظایفش در قبال حقوق ملت ایران به درستی عمل کندونباید کوتاه بیاید .

در ادامه آقا میگوید مذاکره با امریکا مارا در افکار عمومی دنیا به تذبذب متهم می کند ودر افکار عمومی غرب به انفعال دوگانه متهم می کند وتازمانی که دشمنی امریکا واظهارات خصمانه ی کنگره ودولت ادامه دارد تعامل با آنها فایده ای ندارد .اما با همه ی این صحبتهای رهبری بلافاصله سخنرانی کرد اند وگفتند بروید با امریکا توافق بکنید وانها نیز رفتند ودوباره شروع به مذاکره کرداند. رهبری منتظراند که ما مردم بیدار شویم ودوم اینکه بفهیم در توافقنامه چه اتفاقی افتاده است وهوشیارانه برخورد کنیم و سوم اینکه ظرفیت فکری تحلیلی ما بالا برود که ثمره ی عملی آن مطلقا به غرب امیدی نداشته باشیم تکیه به درون کنیم ودست گدایی به سوی کی دراز نکنیم.

آقا می خواهد این فکری که منجر به ایجاد توافقنامه می شود از بین برود وهدف مقابله با توافقنامه نمی باشد.چون هنوز این فکر در ذهن ما وجود دارد که آقا مجبور می شود مذاکره با امریکا را قبول کند واگر این فکر در ذهن مردم از بین رفته بود که آقا به هیچ وجه حاضر نمی شد که با امریکا مذاکره کنند آقا می خواهد از نتیجه ی عملی که در این مذاکره بوجود می اید ما بیدار شویم وبا این فکر مذاکره کنیم.

راه حل:

گفت اندکه این توافق طرفینی است ماهر موقع که بخواهیم تمدید نمی کنیم و ماهر لحظه که بخواهیم می توانیم توافق نامه را پاره کنیم ودور بیاندازیم البته خسارات آن رانیز باید بدهیم .اما عاقل هیچ موقع این کار را نمی کند عاقل وقتی که توافقی را امضا ازان کار هدفی دارد عاقل توافقی را امضا می کند که منافعش در آن تحصیل شود ودنبالش می رود که آن را اجرا کند وبه دادگاه میرود که آن را اجرا کند.

خب حالا ما تصمیم بگیریم که توافق را پاره کنیم که چند تا ضرر دارد 1.چون توافق دو جانبه خودت رفتی کردی وحالا داری پاره می کنی این یعنی اینکه دیگر هیچ کشور با شما نمی اید وقرار داد امضا کند چون اگر امروز باایران قرار داد ببندم فرداان را پاره می کند ودور میا ندازد 2. قبلا امریکا یکجانبه علیه ما تحریم می کرد حال اگه مابزنیم زیر قرارداد امریکا در شورای امنیت علیه ما قطعنامه تصویب می کند وقطعنامه ای که در شورای امنیت تصویب بشود همه باید انرا اجرا بکنندنه آنهایی که طرفدار امریکا هستند اما در تحریم یکجانبه فقط آنهایی که با امریکا هستند اجرا می کنند میتوانند اجرا هم نکنند اجباری ندارند.قبلا روسیه از ایران حمایت می کرد ونمی گذاشت قطعنامه ی جدیدی علیه ایران تصویب شود اما الان روسیه نیز کاری نمی کند وعلت انهم این است که اگر یادتان باشد دو وزیر خارجه دیر به جلسه رسیداند یکی روسیه ودیگری چین .آقای لاوروف در جلسه ی خصوصی به آقای ظریف گفت دستتان درد نکنه شما چهار صفحه توافق را یک شبه با امریکاییها به نتیجه رسیدیدویک شبه چهار صفحه رابا جان کری معامله کردید این نشانگر این است که شما یک مدت است که با امریکاییها مذاکره می کنید انهم مذاکرات محرمانه که در مسقط عمان انجام می داداند امریکاییها هم آن را لو داداند خوب نبود که به ماکه همیشه از شما حمایت کرده ایم حرفی بزنید وبگویید که ما داریم با امریکاییها مذاکره می کنیم حد اقل از وندی شرمن یاد بگیرید که هر وقت می خواهد برود ومذاکره ای بکند اول یک سر به اسرائیل می رود.پس اگر از این به بعد پرونده ی شما به شورای امنیت رفت بروید به آنها که به توافق رسیدید صحبت کنید نه اینکه سراغ ما بیایید.در حالی که از سال 2010تا2012 ما وچین از شما حمایت کردیم دستتان درد نکنه.

اما مشکل ما یک راه حل دارد :

امریکاییها یک تحریم جدید علیه ایران انجام داداند وروسیه گفت که این نقض قانون بین المللی است ما می توانیم به همین استناد کنیم واقدام مقابله به مثل انجام دهیم ماخودمان توافق را پاره نمی کنیم ما می گوییم امریکا توافق را پاره کرد با این کار وتوافق را نقض کرد مانیز اقدام مقابله به مثل انجام دادیم وماهم به تعهدات خودعمل نمی کنیم دراین جا چون به روسیه یک معذرت خواهی بدهکاریم می گیم آقا ماشرمنده ایم از رفتار گذشته اما شما هم در اینجا اعتقاد دارید که امریکا تعهدات بین المللی را نقض کرد ه است پس ما که نقض نکردیم پس بیا در شورای امنیت از ماحمایت کن روسیه در جواب میگوید شما اول مشکل غضنفر حل کن تا من مشکل مارادونا ر احل کنم وقتی شما خودتان می گویید که حرکت امریکا نقض نیست من چه چیزی را بگویم نقض توافق است .پس اول باید اینها رامتقاعد کنیم که این تحریمها جدید است تابعد بتوانیم کاری انجام دهیم ماباید به تیم بگوییم مگر شما نمی گویید که از ولایت حمایت میکنید رهبری میگوید که این تحریمها جدید است خب شما هم به صراحت اعلام کنید که امریکا توافق رانقض کرده است وکاری که ما می توانیم انجام دهیم این است که فشار بیاوریم به اینها تا قبول کنند که نظر درست راکه اینها یک تحریم جدید است ونقض توافق است را بپذیرند. بعد اقدام متقابل انجام می دهیم وبا چین وروسیه نیز حل وفصل می کنیم تا خیالمان از شورای امنیت راحت باشد وبه همه ی جهان می گوییم که ما به همه ی تعهدات خود عمل کرده ایم واین ما نیستیم که تعهدات خود را نقض کرده ایم این امریکاست که به تعهداتش عمل نمی کند.

یکی دیگر از محورهای موجود در متن راجع به ذخیره ی مواد است.در گام نهایی گفته است که شما هشت ونیم تن موادغنی شده در اختیار دارید باید آن را تبدیل به دو تن کنید وبابقی انرا باید اکسید کنید ایرانی ها 721 کیلو را قبل از اینکه توافق کنند تبدیل به اکسید کرداند که اینرا اژانس نیز در گزارش خود اورده است

امریکاییها علاوه بر اینکه تحریمها رافزایش داداند به تعهدات خود راجع به تامین قطعات هواپیما نیز عمل نکرداند وهمین دو مورد کافی است که اعلام کنیم امریکاییها توافق رانقض کرده اند وچون آنها به تعهدات خود عمل نکرده اند مانیز به تعهدات خود عمل نمی کنیم و اقدام مقابله به مثل انجام می دهیم .البته ما در اینجا داریم مستمسک حقوقی می تراشیم که با کمترین ضرر بیشترین نفع را داشته باشیم. که این هم باید توسط مسئولین وزارت خارجه صورت بگیردکه آنها هم جرات انجام چینین کاری را ندارند وباید با فشار از پایین آنها را مجبور کرد که اینها را پی گیری کنند.واگراین امر تبدیل به مطالبه ی اجتماعی شود دیگر به این راحتی نمی تواند در تلوزیون بگوید که شما واقع گرا نیستید ونمی فهمید.علت اینکه این جملات را در تلوزیون می گوید این است که می بیند ما او را تشویق نیز می کنیم.رهبری یک جمله گفته که من از دولتها حمایت می کنم همه به این جمله استنادمی کنیم میگوییم که آقا نیز از کار آنها حمایت می کند پس چیزی نباید بگوییم در صورتی که رهبری میگوید که از مسئولین میخواهم یک از ذره هم از حقوق ملت ایرا ن عقب نشینی نکند وگفته اند که نباید فریب لبخند دشمن رابخورید.

امریکا علاوه بر تحریمهای مرتبط با هسته ای 19 شرکت ویک فرد دیگر وهمچنین شرکت هواپیمایی ماهان دیگر را نیز تحریم کرد که آنها مرتبط با هسته ای نبود و مربوط به کمک ایران به سوریه بود وما با این تحریم ها کاری نداریم ومنظورمان فقط وفقط تحریمهای مرتبط باهسته ای است که این تحریم ها نقض توافق ژنو است.

چرا مذاکرات مخفیانه دیگر قطع شد ومذاکراتی که قرار بود سه جانبه باشد تبدیل به مذاکرات دو جانبه شد وقرار بود اشتون نیز در مذاکرات باشد اما الان دیگر نمی اید چون دیگر وقت ندارد ودر جلسه ویلیام برنز به تیم ماگفته علاوه براینهایی که کوتاه امدی چه چیز دیگری را حاضری کوتاه بیایی وبعد از دوساعت جلسه ی بی فایده جلسه را ترک کرده اند

دراین بیست روزی که وزارت خارجه به وین رفته بوداند ودر زمان اوج بحرانهای خاورمیانه حمله رژیم صهیونیستی به غزه ونیز حملات داعش وزیر خارجه ی کشور ما سه دیدار با جان کری داشتند که یک از این دیدارها سه دقیقه به طول انجامید که جان کری بعد از سلام وچند عکس گفت اگر کاری نداری من باید بروم ودو جلسه ی دیگر یکی یک ساعت ونیم و دیگری دو ساعت بود وتمام شد ورفت در حالی که بیست روز در وین بود سه جلسه به این صورت برگزار کرداند.

یک نوع دیگر از تحریم هایی که امریکا علیه ایران دارد تحریم کنترل صادرات است که دران اقلام دو منظوره را اجازه نمی دهند وارد ایران شود چون این اقلام هم امکان استفاده ی نظامی دارد وهم امکان استفاده ی غیر نظامی امریکا حتی این نوع از اقلام را نیز حاضر نشده از تحریم خارج کند.

دشمن الان بیشتر روی نفت ایران مانور میدهد. وهمه ی ما می دانیم که باید بودجه ی خود را غیر نفتی کنیم اما کسی جرات ندارد این کار را بکند وعلت این است که همه می خواهیم میز را بچسبیم وکاری به اینده ی کشور وحل ریشه ای مشکلات کشور نداریم.یه نفر بود که اهل کار بود اما اوهم دچار یک نوع سرطان شد که اجازه نداد او این کار را انجام دهد .یک سال ونیم مانده بود به پایان دولت قبل جلسه ی شورای امنیت ملی برگزار شد وگفتیم که اینها می خواهند نفت را تحریم کنند همانند بنزین چه باید بکنیم کارشناسان نظر داداند الان بهترین فرصت است که اقتصاد بدون نفت را ایجاد کنیم چون مردم هم پذیرش دارند ما یکدفعه نمی توانیم نفت را از بودجه حذف کنیم اما در سه سال می توان این کار را انجام داد به این صورت که هرسال یک سوم از پول نفت از بودجه خارج شود ودرامد آن را به کارهای پایه ای اختصاص دهیم بنا شده بود این کار را بکنیم اما نشد به جای این که توان کشور صرف این کار زیر بنایی شود بحث اصلی شد ساعت بانکها اینکه هشت باشد یا نه واین بود که بحث نفت هم فراموش شد .اما اگر این کار صورت می گرفت ما برای اداره ی کشور نیازی به پول نفت نداشتیم وبا مکانیسمهای دیگر کشور را اداره می کردیم و به این صورت بود که ابزار فشار غربی ها از کار می افتاد وحالا ابزار فشار فقط در دست ما بود وحالا آنها مجبور بوداند که سر میز مذاکره بنشینند وما خواسته های خود را به آنها تحمیل کنیم.

اما حالا ما بدون تدبیر از و از ترس مرگ خود کشی کرده ایم وتمام حقوق خود را از دست داده ایم چیزی نیز عاید ما نشده است.وهمیشه این ابزار فشار را استفاده می کند تا مارا به ورطه ی نابودی بکشاند.

آقای ظریف در دانشگاه تهران گفته بود که امریکا انقدر قدرتمند است که یک سوئیچ می زند وتمام تجهیزات دفاعی مارا نابود می کند که بعد از آن آقا یک سخنرانی کرداندو گفتند برای برخی مسئولین یک تور نظامی بگزارند تا به وقدرت دفاعی ایران واقف شوند.

اما ایا واقعا امریکا اینقدر قدرتمند است میگویند امریکا ماهواره هایی دارد که حتی اگر یک پشه بجنبد آن را می گیرد .در جنگ سی وسه روزه ی لبنان اسرائیلی ها ابتدابه صورت زمینی حمله کرداند .اسرائیل تانکهای دارد به نام مرکوا که یکی ازتانکهای پیشرفته است شبیه تانک تی هفتادو دو که در اواخر جنگ عراق استفاده می کرد که ار پی جی های ما به آن اثر نداشت اما بعد از مدتی با یک سری تدابیر توانستیم آنها را هم بزنیم .اسرائیل قبلا وقتی با تانکهای تی 72 حمله می کرد لبنانیها کاری نمی توانستند بکنند اما در این جنگ اسرائیل دید نیروهای حزب الله ابزاری دارند که تانکهای تی72 را زمین گیر می کند وقتی اوضاع را این طور دید تصمیم گرفت زمینی حمله نکند وبا سه ناوچه ی پیشرفته از دریا شروع کرد به موشک باران لبنان در این موقع بود که یک تریلی در جنوب لبنان حرکت وبه یک منطقه که رسید مستقر شد وموتور خود راخاموش کرد جرثقیل آن روشن شد وبعد ازان یک موشک شلیک شدبه سمت ناوچه وناوچه ی جنگی را فرستاد به اعماق دریا وبعد دوباره تریلی موتور خود را روشن کرد و به پناهگاه خود بازگشت واین درحالی است که لبنان در قلب دشمن است وهمه روی آن نظارت دارند ولی با این حال نتوانستند این تریلی که از آن موشک شلیک شد را شناسایی کنند.در زمان جنگ ایران عراق زمانی که عراق هواپیماهای پیشرفته ی میراژ را گرفت شروع به موشک باران ایران کرد وموشکهای ضد هوایی هاگ ایران نمی توانست آنهارا بزند وعلت این بود که زمانی که سامانه موشکی ضد هوایی ایران روشن می شد که به سمت هواپیما شلیک کند به محض روشن شدن آن ماهواره آنها راشناسایی می کرد وهواپیما با موشک آن را نابود می کرد که بعدها شهید بابایی بااستفاده از ترفندی این توانایی را ازا نها گرفت ایران توانست هفتاد هواپیما از عراق را شکار کند. وحالا تصور کنید که ماهوارها ی امریکا تریلی لبنان را نتوانستند بگیراند وفقط پشه را می گیراند.

نمونه ی دیگر در چند سال گذشته مانوری به نام پیامبر اعظم بر گزار شد در شرایطی که تمام ناوهای امریکا وانگلیس در خلیج فارس بوداند ایرا در این مانور چندین نوع موشک ازمایش کرد یکی از این موشکها که تلوزیون آن را نشان داد شلیک شد وبه هدف خود اصابت نمود وبه داخل اب رفت امریکاییها وقتی این موشک را در تلوزیون ایران تماشا کرداند به سرعت تمام ناوهای خود را از خلیج فارس خارج کرداند به این علت که آنها نتوانسته بوداند این موشک را در ماهواره های خود ببینند واین برای آنها وحشت اور بود پس با این توصیف چطور امریکا پشه را درهوا می بیند ولی موشک به آن بزرگی را نمی تواند ببیند.سیستمهای ضد موشکی معمولا این گونه عمل می کنند وقتی موشکی شلیک می شود ماهواره انرا شناسایی می کند ودستور به ضد موشک داده می شود وان موشک را در هوا می زند اما وقتی ماهواره موشکی را شناسایی نکند سیستم ضد موشکی عمل نمی کند.

واین یعنی اگر اتکا به نیروی خداوند ونیروی درونی باشد قدرت مابسیار زیاد می شود اینگونه است که ما می توانیم قدرتمند شویم.

در جنگ غزه بعد از پنج سال محاصره گنبد اهنین اسرائیل سوراخ سوراخ شد وحتی تلاویو رانیز زداند.وزیر دفاع امریکا گفت ایران اراده کند تنگه ی هرمز را ببنددبه سرعت می تواند این کار بکند ونگفت که من اراده کنم سوئیچ را بزنم تمام سیستم دفاعی ایران را باخاک یکسان می کنم.

کیسینجر گفت داعش را رها کنید اگر ایران را رها کنید یک امپراتوری شیعی درست می کند که همه ی اینه به برکت ولایت فقیه است.

سوالات

1.چرا ایران می گوید که به سلاح هسته ای نیازی ندارد مگر سلاح هسته ای بازدارندگی ایجاد نمی کند؟

نیاز نیست که ما سلاح داشته باشیم همین که توانمدی داشته باشیم طرف مقابل خودش می فهمد که چه خبراست واگر کسی کننده باشد می فهمد چه خبر است و به خاطر همین است که نتانیاهو شبها خواب ندارد.

2.چرا مجلس وزیر خارجه را استیضاح نمی کند؟

یک روز اعلام کرداند که تیم جدید وقدیم قرار است در مجلس مذاکره کنند اما ما می دانستیم که تیم جدید حاضر به مذاکره نمیشود سخنرانی می کنند اما مذاکره نمی کنند .کمیسیون امنیت ملی مجلس دعوت کرد که به کمیسیون برویم وانجا با تیم جدید مناظره کنیم وبه ماگفتندکه تیم جدید نیز قرار است بیاید مابه مجلس رفتنیم اماتیم جدید نماینده ای نفرستاد خب قرار شد که ما توضیح دهیم ودر کمسیون از همه ی طیف ها بوداند در ابتدای جلسه شروع کرداند به ایراد گرفتن که شما خودتان چند سال مذاکره کردید اما هیچ کاری نکردید ماگفتیم به گذشته کاری نداریم ما می خواهیم متن رابررسی کنیم.سه ساعت جلسه طول کشید ودر آن متن مورد بررسی قرارگرفت.بعد از پایان جلسه صد نماینده امضا جمع کرداند واز رئیس مجلس درخواست کرداندکه محتویات این جلسه در مجلس نیز مورد بررسی قرار بگیرد اما تابه حال چنین اتفاقی نیافتاده است.در حالی که طبق قانون اگر صد نماینده از رئیس مجلس درخواست نمایند حق ندارد آن را اجرانکند.

اجلاسی بود به نام 6+2 که در مورد افغانستان برگزار شد ودر آن حامد کرزای رئیس جمهور افغانستان شد واجلاس هم علیه طالبان بودکه ایران هم در آن شرکت کرد نماینده ی ایران بلافاصله بعد از اینکه از جلسه امد زدبه شانه ی من وگفت می دانی دو سال اینده چه میشود گفت دوسال دیگر توافغانستان گلستان می شود ودر ایران دیگر دانشجو به دانشگاه نمی رود چون دانشگاههای امریکایی به افغانستان می ایندو دانشجویان ایران صف می کشند به افغانستان برود برای ادامه ی تحصیل من در جواب گفتم امریکا جایی سرمایه گذاری نمی کند که ده برابر آن بدست نیاورد وما تا دوسال دیگر همدیگر را می بینیم ولی من قول میدهم که دوسال بعد اینها بد بختر هم می شوند دوسال بعد اجلاس دیگری برگزار شد بعداز جلسه این دفعه من به پشت اوزدم وگفتم نگاه کن همه صف کشیده اند برون افغانستان .بد بختها امنیتشان بد تر هم شده است.

عده ای کلا مرعوب هستند واسم امریکا که می اید هوش از سرشان می رود

موضع دبیر شورای عالی امنیت ملی در مورد توافق چیست؟آقای شمعخانی به آقا نامه نوشته اند وگفته این چه توافقی است که اینها نوشته اند.

علت اینکه آقای جلیلی نسبت به این توافقنامه موضع اشکار نمی گیرد چیست؟به خاطر این است که بعدا می گویند اینها دارند بحث راسیاسی می کنند چون تیم قبل می خواهد علیه تیم جدید موضع بگیرد این حرفها را می زنند.